

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«فرسنگنامه حقوق بشر اسلامی ۳»

اسلام و حقّ حریم خصوصی

تالیف: دکتر عباس خواجه پیری
عضویت علمی دانشگاه وکیل دادگستری

سرشناسه : اسلام وحق حریم خصوصی ۱۳۳۹

عنوان وپدیدآور : اسلام وحق حریم خصوصی

دکترعباس خواجه پیری

مشخصات نشر : تهران : انتشارات آثار سبز ۱۳۹۲

مشخصات ظاهری : ۱۶۴ صفحه - پالتویی

شابک : ۵-۲-۹۳۶۰۹-۶۰۰-۹۷۶

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : کتابنامه

موضوع : حریم شخصی - جنبه های مذهبی - اسلام

رده بندی کنگره : ۱۳۹۲ ۵ الف ۸۵ خ / ۱۷ / ۲۳۰ BP

رده بندی دیویی : ۲۷۹ / ۴۸۳۱

شماره کتابشناسی ملی : ۳۱۱۲۹۰۷

نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۱

شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه

بها : ۶۹۰۰۰ ریال

چاپ و نشر این اثر بدون تغییر در محتوای آن

با اطلاع قبلی صاحب اثر بلامانع است .

صفحه	
۵	- فهرست مندرجات
۸	- دیباچه مولف
۱۱	- مقدمه
۱۵	- اهمیت حق حریم خصوصی
۲۰	- مفهوم حریم خصوصی
۲۵	- مرز حریم خصوصی و حوزه ی عمومی
۲۹	- ضرورت رعایت حریم خصوصی
۳۳	- قلمروی حریم خصوصی
۳۹	- مصادیق حریم خصوصی
۵۳	- اهمیت حریم خصوصی در اسلام
۵۶	- مبانی حق حریم خصوصی در اسلام :
۵۶	۱. اصل کرامت ذاتی انسان
۵۸	۲. اصل عدم ولایت انسانها بر یکدیگر
۶۲	۳. اصل عدم جواز مداخله در امور دیگران
۶۳	۴. اصل حرمت خون، مال و عرض اشخاص
۶۵	۵. اصل خصوصی بودن امور اشخاص
۶۵	۶. اصل سلطه ی انسان بر شئون خویش
۶۷	۷. حکم عقل و وجدان

- ۶۸ - قلمروی حریم خصوصی در اسلام :
- ۷۰ .۱. ممنوعیت ممنوعیت تجسس و تحسس
- ۷۶ .۲. ممنوعیت ورود غیر مجاز به خلوتگاه اشخاص
- ۸۳ .۳. ممنوعیت هتک ستر و اشاعه فحشاء
- ۸۷ .۴. ممنوعیت عیب جویی از دیگران
- ۹۶ .۵. ممنوعیت بدگمانی به دیگران
- ۱۰۰ .۶. ممنوعیت غیبت از دیگران
- ۱۰۹ .۷. ممنوعیت هتک آبروی اشخاص
- ۱۱۵ .۸. ممنوعیت سخن چینی
- ۱۱۹ .۹. ممنوعیت استراق سمع
- ۱۲۱ .۱۰. ممنوعیت استراق بصر
- ۱۲۴ .۱۱. ممنوعیت ناسزاگویی و دشنام
- ۱۲۸ - حریم خصوصی خانواده در اسلام
- وظیفه دولت اسلامی در حفظ حریم خصوصی اشخاص
- ۱۳۷
- ۱۴۱ - نقض مشروع حریم خصوصی :
- ۱۴۱ .۱. تزامم با حقوق و مصالح عامه
- ۱۴۳ .۲. تزامم با حقوق دیگران
- ۱۴۳ .۳. امر به معروف و نهی از منکر

- اصل امر به معروف و نهی از منکر و حق حریم خصوصی ۱۴۸
- تفاوت دیدگاه اسلام و غرب در خصوص حق حریم خصوصی ۱۵۳
- چالش های حریم خصوصی در جهان امروز ۱۵۷
- منابع و مآخذ ۱۶۳

دیباچه مولف

بنا به دعوت رایزن محترم فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مسکو، اواخر آذر ماه سال گذشته توفیقی دست داد تا در معیت مسئولان محترم بنیاد بعثت به کشور روسیه سفر کنیم و زمینه ها و راهکارهای توسعه ی فعالیت های فرهنگی در آن سرزمین را از نزدیک بررسی و بر اساس امکانات موجود ، برنامه ی اجرائی لازم را تدوین نمائیم.

در این سفر ملاقات های مفید و پرباری با شخصیت های مختلف دینی و فرهنگی روسیه و تاتارستان انجام پذیرفت که بویژه در جلساتی که با مسئولین ادارات امور دینی آن دو جمهوری برگزار شد، شاهد اظهار علاقه شدید آنان به ارائه کتب و متون اسلامی و حتی کتاب درسی در زمینه های معارف و اخلاق اسلامی بودیم.

ابراز تمایل وافر مسئولین فوق و نیز جمعیت قریب بیست میلیون مسلمان در فدراسیون روسیه و بویژه در جمهوری های شمال قفقاز و ساحل ولگا ، و نیز مخاطبین فراوان مسلمان و غیرمسلمان در سایر کشورهای

اتحاد جماهیر شوروی سابق (که به زبان روسی تسلط دارند) ، همچنین عادت بسیار پسندیده اکثریت مردم آن دیار به مطالعه در وسائل نقلیه عمومی، موجب گردید موسسه نهضت ترجمه (که از قریب یکسال پیش فعالیت خود را در زمینه ترجمه و نشر الکترونیکی متون مربوط به معارف اسلامی آغاز نموده است) جامعه روسی زبان را به عنوان مخاطب اصلی خود قرار دهد و سازماندهی فعالیت خویش را در این راستا معطوف دارد.

اینجانب نیز به پشتوانه ی مطالعاتی که در بیش از یک دهه در زمینه ی حقوق بشر اسلامی دارم ، بر آن شدم تا با تدوین متونی نسبتاً روان و کم حجم ، و ترجمه و نشر آن به زبان روسی، اصول مترقی حقوق بشر اسلامی را برای آنان ارائه و تبیین نمایم.

بنا به توصیه مدیر عامل محترم بنیاد بعثت ، مقرر شد تا همزمان با ترجمه ی این اثر به زبان روسی، متن فارسی آن نیز منتشر گردد.

خداوند متعال را بر این توفیق شاکرم و از درگاه ربوبی
او توفیق تداوم این اقدام را مسئلت دارم.

دکتر عباس خواجه پیری

فروردین ۱۳۹۲ هجری شمسی

یا ایّها الناس انا خلقناکم من
 ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و
 قبائل لتعارفوا، انّ اکرمکم عند
 الله اتقیکم، انّ الله علیم خبیر
 قرآن کریم - سوره حجرات - آیه ۱۳

مقدمه

موضوعیت یافتن حقوق بشر، به لحاظ فطری بودن آن، قدمتی معادل عمر بشر در جهان خاکی دارد و از آن زمان که انسان بر این کره خاکی استقرار یافت، مقوله‌ی حقوق بشر نیز متولد گردید و با تعدد و تکثر انسانها و جوامع بشری، رشد و توسعه پیدا کرد و همواره منشاء مبارزات و نهضت‌های حق طلبانه و آزادی خواهانه گردید و بعنوان آرمان جاویدان بشر باقی ماند.

مورخین در کاوشها و مطالعات خود به اسنادی دست پیدا کرده اند که به لحاظ قدمت تاریخی به بیش از ۲ هزار سال قبل از تاریخ میلاد حضرت مسیح (ع) تعلق دارند و در متن آنها بر حقوق طبیعی انسانها و آزادیهای اساسی تاکید شده است.

ظهور دین اسلام در سال ۶۱۰ میلادی نیز یکی از زرین ترین و جاویدترین فصول تاریخ بشریت است که به لحاظ محتوای تعالیم آن، بویژه در زمینه حقوق انسانها، در اندک زمانی در بخش وسیعی از جهان مورد پذیرش و استقبال انسانهای تحت ظلم و ستم قرار گرفت و پیروان بسیاری پیدا کرد.

بنا به گفته ابوالعلا مودودی، متفکر و محقق مشهور، غریبها عادت دارند که هر امر خوبی را به خود منتسب کنند و چنین وانمود سازند که همه مواهب و فضایی که بشریت بر آن دست یافته است، از ایشان نشأت می گیرد، حال آن که مگناکارتا (منشور کبیر انگلستان) بعنوان نخستین سند تاریخی غرب در زمینه حقوق بشر، که در سال ۱۲۱۵ میلادی توسط جان (پادشاه وقت انگلستان) صادر گردید، بیش از ششصد سال پس از ظهور دین اسلام صادر شده است و این سند و اسناد متعاقب آن، دلیل محکمی بر عقب ماندگی غرب از قافله حقوق بشر و عدم توجه آنان به منزلت انسانی و تاخیر در مبارزه آنان با ظلم و ستم هایی که طی قرون متمادی بر بشریت

رفته است ، محسوب می گردد.

مطالعه مفاهیم حقوق بشری در تعالیم اسلام بوضوح گویای آنست که نظام حقوق بشر در شریعت اسلام و تعالیم پیامبر اکرم(ص) در مقایسه با آنچه در غرب مورد ادعا قرار می گیرد ، به مراتب کامل تر و جامع تر است، و علت این امر تفاوت اساسی دو نظام حقوقی غرب و اسلام در نگرش به انسان و ویژگی های مادی و معنوی اوست.

در شریعت اسلام، ملاک های فضیلت ، انسانیت و معنویت انسان مورد توجه خاصی قرار گرفته است، حال آنکه دیدگاه غرب نسبت به انسان مبتنی بر عوامل معنوی و اخلاقی نیست.

از طرفی چون اخلاق و مذهب می تواند به عنوان قوی ترین پشتوانه ی اجرای حقوق بشر و حمایت از آن، کاربرد داشته باشد ، لذا تقویت ارزشهای اخلاقی و مذهبی در هر جامعه سبب توسعه حمایت از حقوق بشر می گردد . و انحطاط اخلاقی یا بی توجهی به ارزشهای مذهبی نیز در نقض و سلب حقوق بشر تاثیر مستقیم و منفی

دارد. بر این اساس چنانچه قانونمندیها و مقررات لازم الاجرا در جامعه از پشتوانه عظیم معنوی و اعتقادی افراد آن جامعه برخوردار نگردد، در نهایت نتیجه مطلوب و مورد انتظار بیار نخواهد آورد.

عدم توجه ارگانهای حقوق بشری سازمان ملل متحد و اسناد بین المللی موجود به مذهب و اعتقادات دینی موجب عدم موفقیت در توسعه حمایت از حقوق بشر در دنیای امروزی گردیده است، که نتیجه ی آن وضع رقت بار و اسف بار ناشی از نقض حقوق انسانهاست که همه روزه در تمامی نقاط دنیا شاهد آن هستیم .

در این سلسله مقالات ما برآنیم تا با معرفی اجمالی پاره ای از تعالیم ناب اسلامی ، حقانیت شریعت متعالی اسلام را در مقایسه با ادعاهای پرطمطراق ولی پوچ و بی اساس غربی ها بیان کنیم تا همگان بدانند که بشریت تا چه حد و امدار تعالیم اسلام و شریعت پیامبر خاتم(ص) است.

من الله التوفيق

اهمیت حق حریم خصوصی

گرچه مسئله ی حق حریم خصوصی از نظر درجه ی اهمیت پس از حق حیات قرار می گیرد، لیکن بدلیل آنکه این حق ریشه در هویت هر انسان دارد و بمنزله ی هویت شخصی فرد تلقی می شود، از جایگاهی مهم و ویژه در میان حقوق و آزادیهای اساسی انسانها برخوردار است و فقدان یا تجاوز به این حق موجبات بروز تنش ها، کشمکشها، خشونت ها و تألمات جسمی و روحی انسانها را در قلمروی زندگی شخصی، خانوادگی و روابط اجتماعی آنان فراهم می آورد و انسان را از برخورداری از زندگی و حیات طبیعی و بایسته محروم می سازد، و امنیت فردی و اجتماعی او را تباہ و زایل می سازد، چنانکه بعنوان مثال، افشاء یا نشر اسرار مربوط به زندگی زناشویی، بعنوان یکی از مصادیق تجاوز به حریم خصوصی و شخصی فرد، می تواند در تداوم و استحکام کانون زندگی او اثرات مخرب و جبران ناپذیری داشته باشد و موجب از هم گسیختگی و

نابودی آن گردد و برای آحاد اعضای خانواده (اعم از زن ، شوهر و فرزندان) و حتی وابستگان به کانون خانواده ، مشکلات جدی و عواقب نامطلوبی بیار آورد.

تردیدی وجود ندارد که سرمایه و حقوق انسانها ، محدود به دارایی ها و سرمایه های مادی آنها (از قبیل مالکیت اموال و حقوق مادی) نیست، بلکه انسانها از حقوق غیر مالی و سرمایه های معنوی بهره مندند که در قیاس با سرمایه های مادی آنان از اهمیت بیشتری برخوردار می باشد. مهمترین سرمایه های معنوی انسان عبارتند از: برخورداری او از آزادیهای مشروع توأم با مسئولیت و تکلیف، حق بهره مندی از امنیت فردی و مصونیت از تعرض و تجاوز نامشروع و ناروای دیگران نسبت به مکالمات، مکاتبات و مراسلات او، آزادی اندیشه و بیان، امنیت جان، مال، اعتبار، حیثیت و شخصیت فرد.

بی شک رعایت حریم خصوصی اشخاص، بعنوان یکی از مهمترین مصادیق حقوق معنوی انسانها محسوب می شود و حمایت از آن بمنزله ی پاسداشت

از کرامت انسانی و هویت شخصی وی قلمداد می گردد.

امروزه مسئله ی حق حریم خصوصی ، خصوصاً با توسعه ی تکنولوژیهای ارتباطی و توسعه ارتباطات و ایجاد امکان دسترسی آسانتر و بیشتر به خلوت اشخاص بصورت غیر مجاز، درمباحث حقوق بشری محوریت ویژه ای یافته است. محوریت حق برخورداری از خلوت خصوصی در میان سایر حقوق و آزادیها بدان سبب است که بهره مندی از این حق، موجب حفظ شأن و کرامت انسانی، تأمین استقلال فردی، تنظیم و توسعه ی روابط صمیمانه و پایدار آحاد جامعه، ایجاد امنیت روانی پایدار و کنترل تنش ها و منازعات انسانی می گردد و برعکس، تعرض به این حریم شخصی (چه بصورت فردی و یا از جانب حکومت) سبب ایجاد نا امنی روانی و تزلزل در جامعه می گردد و پیامدهای نامطلوب و جبران ناپذیری در حوزه ی زندگی فردی و اجتماعی را به دنبال خواهد داشت.

حمایت از حریم خصوصی افراد در مقابل مصادر عمومی قدرت و سایر افراد، نقش ویژه ای در شکوفایی استعدادها و پاسداری از سایر ارزش های بنیادین و حقوق اساسی انسانها دارد و صیانت از مقام والای انسان و حفظ کرامت انسانی را به ارمغان می آورد.

آنگاه که انسان در پناهگاه خصوصی و خلوت خویش نسبت به جان، مال، حیثیت، ناموس، شخصیت و یا محل سکونت یا کار خود احساس امنیت و مصونیت نماید، در واقع مفهوم بهره مندی از حق حیات و زندگی را با همه ی وجود باور و تجربه می کند، و زمانی که قلعه ی مقدس حریم خصوصی شخص با تجاوز و ورود خودسرانه و نامشروع اشخاص دیگر یا حکومت مورد تعرض قرار می گیرد، در واقع حیات او در معرض تهدید قرار گرفته است و باور انسان نسبت به حیات و زندگی با احساس ناامنی و تزلزل رنگ می بازد، به همین دلیل است که برخی عدم مصونیت در حریم خصوصی شخص را با سلب حیات و انهدام بنای انسانیت او یکسان دانسته اند.

بنابراین می توان چنین نتیجه گیری کرد که: هویت فرد، ریشه و مبنای حق حریم خلوت اوست و با حیات انسان و ساختار شخصیتی او رابطه ی تنگاتنگ دارد.

گر چه حریم خصوصی حقی است که به آحاد یک جامعه تعلق دارد و هیچکس را نمی توان بدون دلیل از این حق محروم ساخت و یا در اعمال حق او ایجاد محدودیت نمود، لیکن باید توجه داشت که رعایت این حق در خصوص برخی اشخاص که از جایگاه و اعتبار اجتماعی خاصی برخوردار می باشند، مانند شخصیت های برجسته ی علمی، هنری، دینی و سیاسی، اهمیت بیشتری پیدا می کند و تعرض به حریم خلوت آنان آثار و عواقب سوء بیشتری برای ایشان و جامعه را موجب می شود.

مفهوم حریم خصوصی

واژه ی «حریم خصوصی» مرگب از دو جزء «حریم» و «خصوصی» است که «حریم» به مفهوم محدوده و ممنوع بودن است و «خصوصی» به مفهوم شخصی و مستقل بودن بر اساس مفاهیم فوق، تعریف اولیه و ابتدایی حریم خصوصی عبارتست از: محدوده ای که به اعتبار مخصوص بودن آن، اولاً اشخاص بطور انحصاری و مستقل حق دارند شخصاً برای خود تصمیم بگیرند، ثانیاً دیگران اجازه برای حضور یا ورود به آنرا ندارند و صاحب حریم حق دارد تا در مقابل هر نوع مداخله در زندگی و امور خصوصی اش که از طریق ابزارهای فیزیکی یا عمومی سازی اطلاعات شخصی او صورت پذیرد، مصون بماند و با هر گونه حضورنا خوانده و یا تعرض دیگران در محدوده اختصاصی خویش، مقابله و دفاع نماید.

علیرغم برداشت کلی و مشترک فوق از واژه ی «حریم خصوصی»، اندیشمندان در طول زمان تاکنون

نتوانسته اند ، به دلیل وابستگی شدید این حق به فرهنگ و شرایط محیطی، تعریف واحد و قاطعی از «حریم خصوصی» ارائه نمایند، بلکه برای شناساندن مفهوم این حق (که یکی از ملموس ترین و کاربردی ترین حقوق انسان هاست) ، به بیان مصادیقی از آن (از قبیل : مشخصات فردی ، وابستگی مذهبی، آراء و عقاید سیاسی و اجتماعی، روابط خانوادگی و فردی) پرداخته اند، یا اینکه تلاش نموده اند تا با جداسازی حوزه ی خصوصی از حوزه ی عمومی ، قلمروی حریم خصوصی را معین نمایند و وجوه تمایز این دو حوزه را مبنای تعریف هر یک از این دو حوزه قرار دهند، بر این مبنا حوزه ی خصوصی و شخصی مشتمل بر اموری است که فقط به زندگی و سرنوشت خود انسان مربوط می شود و دیگران در آن نفع و زیانی ندارند، و حوزه ی عمومی اموری را شامل می شود که علاوه بر شخص انسان، دیگران نیز در نفع و زیان آن شریک هستند.

فقدان مفهوم دقیق و قاطع از حریم خصوصی به

عنوان یکی از چالش‌های مهم نظام‌های حقوقی عصر حاضر تلقی می‌شود. علت اساسی عدم تفاهم بر تعریف واحدی از این حق، از یک طرف ناشی از عوامل مختلفی است که در تعیین محدوده‌ی حریم خصوصی انسان تأثیر بسزایی دارند (مانند: فرهنگ و آداب و رسوم، ساختار اقتصادی و سیاسی، عامل باورها و اعتقادات جامعه) که در جوامع گوناگون از وضعیت و شرایط متفاوتی برخوردار می‌باشند، و از طرف دیگر حالات و موقعیت‌های مختلف فردی و اجتماعی انسان، که از پیچیدگی شخصیت او نشأت می‌گیرد و تجمیع آنها در یک تعریف واحد آسان و ممکن نیست.

ضرورت و اهمیت تعریف دقیق و جامع از حق حریم خصوصی بدان سبب است که موجب شناخت صحیح و بایسته‌ی این حق و ایجاد امکان حمایت و صیانت از آن در مقابل تعرض و تجاوز نامشروع دیگران می‌گردد.

برای تعریف «حریم خصوصی» به عنوان حوزه‌ای

تعرض ناپذیر از حیات فردی هر انسان ، توجه به عناصر و ارکان این حق ضروری است.
این ارکان عبارتند از :

الف- خصوصی بودن : این عنصر در واقع همان وجه تمایز حوزه ی خصوصی از حوزه ی عمومی است ، که آنچه در محدوده ی حوزه ی خصوصی قرار می گیرد، تنها مربوط به سرنوشت شخص انسان است ولی امور مربوط به حوزه ی عمومی میان آحاد جامعه مشترک است و جنبه ی اختصاصی ندارد.

ب- امن بودن : امنیت و مصونیت محدوده ی حریم خصوصی شخص از هر گونه تجاوز و تعرض دیگران، رکن اصلی این حق محسوب می شود. در قلمروی این حق انسان انتظار دارد که دیگران نتوانند به محدوده ی حریم خصوصی او دسترسی و مداخله داشته باشند یا بر آن نظارت و اشراف پیدا کنند، مگر با رضایت و اذن صاحب حریم. وجود امنیت در خلوت شخص سبب می شود که او بتواند مسائل زندگی خصوصی خویش را مصون از دسترسی و

تعرض دیگران نگهدارد و از افشای اسرار و نشر اطلاعات شخصی و اختصاصی خود جلوگیری نماید. ج- آزادی : بر مبنای این عنصر مهم، شخص میتواند در زندگی خصوصی خویش آزادانه و خود مختار، در چار چوب حریم امن و محافظت شده خلوت خود، بدون حضور دیگران و بدون هر گونه فشار و تحمیل و مداخله ای شیوه ی زندگی خویش را معین سازد و بدون نگرانی از افشای اطلاعات زندگی خصوصی خود، تصمیم بگیرد که دیگران تا چه حد و با چه شرایطی از امور شخصی او مطلع گردند یا در حریم خصوصی وی مداخله نمایند.

نتیجه ی آزادی شخص در محدوده ی حریم شخصی خویش آنست که هم در قلمروی عقیده و هم در مقام عمل، با استقلال بیاندیشد و بر اساس باورهای خود عمل نماید.

مرز حریم خصوصی و حوزه ی عمومی

یقیناً متمایز ساختن قلمروی حوزه ی عمومی از حریم خصوصی بصورت دقیق کار آسان و ساده ای نیست؛ بویژه آنکه در تعیین مرز بین این دو حوزه، عواملی همچون عامل فرهنگی و اعتقادی، خصوصاً عامل دین نقش مهم و بسزائی دارند و در نظام هایی که مبتنی بر اصول اعتقادی و دینی باشند، تنها با توجه به موازین منبعث از اعتقادات دینی جامعه می توان به تمایز این دو حریم پرداخت.

نگرش خاصّ ادیان الهی و ابراهیمی، بویژه شریعت اسلام، به هویت انسانی فرداقتضای ویژه ای در تعیین محدوده ی حریم خصوصی اشخاص و تعیین مرز آن با حوزه ی عمومی ایجاد می کند که در بخش های آتی به تفصیل به بیان آنها خواهیم پرداخت.

اینک برای تعیین اجمالی حدود حریم خصوصی و حوزه ی عمومی به بیان خصوصیات هریک از آنها می پردازیم :

الف - ویژگی های حوزه خصوصی افراد آنست که:

اولاً- درحوزه خصوصی انسان تمایلی به دسترسی دیگران به امور فردی خود ندارد و مایل است امور شخصی اش بدور از نظارت و حضور دیگران پنهان و مکتوم بماند.

ثانیاً - در این حوزه شخص می خواهد درباره امور فردی و خصوصی خودش آزاد و مستقل و بدور از ولایت یا سرپرستی دیگری تصمیم گیری نماید و جز در مواردی که شخص او بخواهد، راضی نیست که دیگران در اتخاذ تصمیم او شریک و دخیل باشند.

از دیدگاه دین اسلام ، در حوزه ی حریم خصوصی نحوه ی رفتار و عمل شخص را احکام شریعت الهی تعیین می کند و دولت یا حاکم اسلامی نقشی خاص در قلمروی این حوزه برعهده ندارند و تا آنجا که اعمال و کردار اشخاص بروز خارجی در جامعه نداشته باشد، دولت نیز حق ورود و مداخله در آنرا ندارد.

ب - ویژگی های حوزه ی عمومی عبارتند از :

اولاً-اموری که در این حوزه جای میگیرد، بین انسانها

و عموم افراد یک جامعه مشترک است و جنبه فردی و شخصی ندارد، و چنانچه در خلوت اشخاص اتفاق افتاده است بدلیل بروز خارجی و اثر اجتماعی آن واجد جنبه ی عمومی شده است.

ثانیاً- در قلمروی حوزه ی عمومی اموری اتفاق می افتد که بلحاظ عمومی بودن این حوزه، جنبه ی پنهانی و غیر قابل دسترسی ندارند، بر خلاف حریم خصوصی اشخاص که ویژگی آن پنهان و مخفی ماندن اسرار و امور شخصی افراد است.

ثالثاً- امور مربوط به حوزه ی عمومی ، بر خلاف حریم خصوصی اشخاص، در حیطه اقتدار حکومت و دولت اسلامی است و دولت به عنوان حافظ نظم عمومی و اقتدار ملی و امین مردم، می تواند بر آن امور نظارت و اعمال نظر نماید و کنترل کند تا امری بر خلاف مصالح عامه بوقوع نپیوندد.

رابعاً- در حوزه ی عمومی، اصل جریان آزاد اطلاعات حاکم است و عموم مردم جامعه حق دارند تناسب به وقایع و اموری که در جامعه اتفاق می افتد

و جریان دارد ، آگاه باشند ، بر این اساس در حوزه عمومی ، بر خلاف حریم خصوصی اشخاص ، محدودیت در امر اطلاع رسانی و یا ممنوعیت عمومی سازی ، که در خلوت خصوصی افراد برای جلوگیری از افشای اسرار اشخاص ضروری و لازم است، وجود ندارد بلکه بر عکس وظیفه ی حکومت اطلاع رسانی و بهره گیری از اصل نظارت همگانی در اداره امور جامعه می باشد.

ضرورت رعایت حریم خصوصی

اندیشمندان و متخصصین علوم اجتماعی بر این عقیده استوارند که نیاز به حریم خصوصی و خلوت شخصی، ریشه در فطرت و نهاد انسان دارد و انسانها ذاتاً تمایل دارند تا با تعیین قلمروی خاصی برای خود، حریم امنی را برای خویش ایجاد کنند تا هرگاه بخواهند، بدون حضور دیگران در آن خلوت کنند، و بر این اساس انسانها در اجابت ندای فطرت خویش با تعیین قلمرو و محدوده اختصاصی، آنرا پناهگاه امن خود قرار می دهند و در آن پناه و آرامش میگیرند. برخی از دانشمندان نیز بر این باورند که نیاز به بهره مندی از حق خلوت و حریم خصوصی، در واقع اختصاصی به انسانها ندارد، بلکه به عنوان نیاز فطری مشترک انسانها و سایر حیوانات شناخته می شود، لیکن درجه ی نیاز و قلمروی این حق در انسانها، بدلیل برخورداری آنها از مراتب والای قوه ی شعور و تعقل، وسیعتر و تخصصی تر است.

احساس نیاز بشر به حق برخورداری از حریم خصوصی

، قدمت و سابقه ای به امتداد حیات انسانی دارد و سیر مختصری در ادوار تاریخ حیات بشر گویای آنست که از زمان شروع زندگی اجتماعی انسانها، بشر همواره در صدد آن بوده است تا برای خویش پناهگاه و حریم امنی بیابد و دیگران را از حضور در آن منع کند.

این نیاز و احساس محدود به جامعه یا دوره ای خاص از زندگی بشر نیست، بلکه در همه ی جوامع، حتی جوامع بدوی که از امکانات پیشرفته و فرهنگ مترقی برخوردار نبوده اند، انسانها تلاش خود را مصروف می داشتند تا با در نظر گرفتن قواعد و نظاماتی، امکان تجاوز و حضور دیگران را در حریم خصوصی اشخاص محدود نمایند.

بقراط حکیم، که در حدود سه قرن قبل از میلاد مسیح می زیسته است، مقرر کرده بود که دانش آموختگان رشته ی طب سوگند یاد کنند که اسرار بیمارانش را محرمانه نگهدارند.

امروزه نیز حق حریم خصوصی در کانون مطالبات و

توجّهات مربوط به حقوق و آزادیهای بشری توده ی جوامع انسانی قرار دارد. توجه به مسئله حریم خصوصی، بویژه با ظهور مدرنیته و آثار و تبعات آن، بیش از هر زمان مورد مطالبه جوامع بشری قرار دارد. تحولات سریع و اعجاب انگیز در شیوه ها و وسایل ارتباط جمعی، از جمله رسانه های عمومی، و تمایل اینگونه رسانه ها به خبرسازی و عمومی کردن مسائل مربوط به زندگی خصوصی افراد (بویژه شخصیت های اجتماعی و سیاسی شناخته شده) برای رقابت بایکدیگر و با اهداف جذب مخاطب بیشتر، خطر جدی برای خلوت شخصی انسانها محسوب می شود.

دست یابی جوامع به تکنولوژیها و تجهیزات پیشرفته و وسایل الکترونیکی و ارتباطی مدرن، امکان تجاوز و تعرّض به حریم خصوصی اشخاص را فراهم می سازد، حتّی بدون اینکه شخص مورد تجاوز از تعرّض دیگران مطلع و آگاه گردد.

بر این مبنا عدم شناسایی حریم خصوصی برای یک انسان، بمنزله نابودی فردیت او محسوب میشود

و در چنین وضعیتی انسان وجدان و کارایی خویش را از دست می دهد.

هر شخصی در خلوت خویش فرصت می یابد که به دور از حضور دیگران و فارغ از تأثیر افکار، تمایلات و القائات سایر افراد جامعه، با تکیه بر فردیت خویش، بیاندهد، با خویشتن خویش روبرو شود، اعمال و کردارش را در معرض قضاوت وجدان خویش قرار دهد، و از این رهگذر مسیر آینده خویش را ترسیم نماید و بدون هرگونه تظاهر و خودنمایی، راه اصلاح و تهذیب خویش در پیش گیرد و با مشکلات و مصائب مقابله نماید، در غیر اینصورت انسانی که بدلیل حضور مستمر و همواره در میان دیگران، از خلوت فردی برخوردار نباشد، از فردیت خویش محروم می ماند و هیچگاه فرصت پرداختن به بُعد فردی خویش را پیدا نمی کند.

قلمروی حریم خصوصی

چنانکه پیشتر اشاره گردید، با شروع حیات انسانی در کره زمین و احساس امکان حضور و دخالت دیگران در خلوت شخصی او، انسان تلاش خویش را در جهت جداسازی و تعیین مرزهای بین حوزه ی زندگی خصوصی خود و گستره ی عمومی آغاز نمود و کوشید تا انفکاک این حوزه را به عنوان یک قاعده اجتماعی مسلم و غیر قابل خدشه درآورد و قلمروی حریم خصوصی خویش را براساس معیارها و قواعد مشخص و با تعیین مصادیق آن معین سازد.

تعیین گستره ی حریم خصوصی از آن جهت واجد اهمیت خاص است که از طرفی امکان دفاع کامل و همه جانبه را از این حق مسلم و ارزشمند فراهم می سازد، و از سوی دیگر انسان را از تجاوز یا تعرض به حقوق فردی دیگران یا اجتماع، که ناشی از عدم تعیین قلمروی صحیح حریم خصوصی اشخاص می باشد، منع می کند.

بدیهی است چنانچه تعیین قلمروی حریم

خصوصی انسانها مبتنی بر معیاری صحیح و معقول باشد و علاوه بر در نظر گرفتن خلوت هر شخص متضمن حقوق سایر افراد و منافع جامعه گردد ، مقبولیت آن از طرف آحاد جامعه و حکومت ها موجبات استحکام و پایداری حریم خلوت اشخاص را فراهم می آورد، در غیر اینصورت زمینه های نقض این حریم بدلیل تضاد منافع فرد با منافع دیگران و یا مصالح جامعه ایجاد می گردد و مانع بقا و استواری در اعمال این حق مسلم می شود.

نظر به اهمیت و حساسیت معیارهای لازم برای تعیین قلمروی حریم خصوصی، ضروری است مهمترین عواملی که در تعیین این معیارها تأثیر مستقیم و بسزایی دارند، مورد شناسایی و احصا قرار گیرند، برخی از این عوامل عبارتند از:

الف - آداب و رسوم و فرهنگ جامعه: بطور کلی عامل فرهنگ در هر جامعه رابطه ی نزدیک و تأثیر مستقیم و مهمی در تعیین معیارهای حریم خصوصی اشخاص دارد و گستره ی فرهنگ مشتمل بر اعتقادات،

آداب و رسوم ، سنت ها، سبک زندگی و روابط انسانها با یکدیگر در یک جامعه می باشد، که نباید از آنها غفلت نمود.

تأثیر فرهنگ به حدی است که حتی ساختار ظاهری زندگی انسان ها در یک جامعه و یا سبک معماری ابنیه می تواند در تعیین و تمیزگستره ی حریم خصوصی اشخاص مؤثر و کارساز باشد.

توجه به عامل فرهنگ در واقع در نظر گرفتن و توجه به موانعی است که در یک جامعه مشاهده می شود و ممکن است در سایر جوامع مصداق نداشته باشد. ب- ساختار اقتصادی جامعه : تأثیر ساختار

اقتصادی در تعیین معیارهای مربوط به قلمروی حریم خصوصی ، ناشی از تأثیر اقتصاد در روابط فردی و اجتماعی در یک جامعه می باشد.

تردیدی وجود ندارد که نوع ساختار و وضعیت اقتصادی یک جامعه ، تأثیر مهم و غیر قابل انکاری بر تنظیم روابط افراد یک جامعه با یکدیگر از یک طرف و با حکومت از سوی دیگر دارد.

نباید انتظار داشت که روابط اجتماعی در جوامعی که مبتنی بر اقتصاد باز و سرمایه داری هستند، با جوامعی که اقتصاد آنها سوسیالیستی و اشتراکی است، یکسان و همانند باشند و باز و بسته بودن نظام اقتصادی جامعه در تنظیم این روابط بی تأثیر باشد.

ج - ساختار سیاسی جامعه: از جمله عوامل تأثیر گذار در انتخاب معیار مناسب جهت تعیین قلمروی حریم خصوصی، ساختار حکومتی و نهادهای سیاسی جامعه می باشد.

شکل گیری ساختار سیاسی نیز بستگی به عوامل مختلفی از جمله: فرهنگ عمومی اجتماع، پیشینه تاریخی و سیاسی هر جامعه و اعتقادات و باورها و سنت های فردی و اجتماعی مردم دارد و استقرار نظام سیاسی در یک جامعه، بدون توجه به این عوامل پایدار و با ثبات نخواهد بود.

د - امنیت اجتماعی و مصالح عامه: بی شک یکی از دغدغه های مهم در مسئله ترسیم قلمروی حریم خصوصی افراد، تأثیر آن بر مقوله ی امنیت اجتماعی

و منافع و مصالح عامه می باشد، زیرا هر گونه افراط و زیاده روی در گسترش و توسعه ی قلمروی حریم خصوصی می تواند موجب ایجاد امکان سوء استفاده از این حق و تجاوز به حقوق عامه یا به مخاطره افکندن امنیت جامعه گردد. لذا ضروری است معیارهای تعیین گستره ی حریم خصوصی بنحوی ترسیم گردد که متضمن سوءاستفاده و زیان اجتماعی، بویژه امنیت جامعه، نباشد و آنجا که حق حریم خصوصی شخص با حق برخورداری آحاد جامعه از امنیت اجتماعی در تعارض قرار گیرند ، برای منافع عمومی اولویت و ارجحیت در نظر گرفته شود .

ه - سایر حقوق و آزادی های اساسی :

آزادیهای فردی و اجتماعی که برای انسانها در نظر گرفته شده و شناسایی گردیده است، از تاثیرگذارترین عوامل برای تعیین معیارهای مشخص کننده محدوده حریم خصوصی قلمداد می شوند. بعنوان مثال شرایط و محدودیت های حق آزادی بیان در یک جامعه میتواند

اثر مستقیم و ویژه ای در تعیین قلمروی حریم خلوت آحاد آن جامعه داشته باشد و بطور مؤثری موجب توسعه با تضییق محدوده ی خلوت شخصی افراد گردد .

همچنین حق دسترسی و استفاده ی آزادانه ی آحاد جامعه از اطلاعات می تواند بطور آشکار قلمروی حریم خصوصی اشخاص را تحت تأثیر خود قرار دهد. بدیهی است گسترش حق دسترسی و بهره مندی از اطلاعات ، بعنوان یک خطر بالقوه و دایمی، می تواند از عوامل محدود کننده ی حریم خصوصی افراد تلقی شود.

مصادیق حریم خصوصی

موانع و محدودیت های موجود برای ارائه تعریف واحد و مشخصی از حریم خصوصی سبب گردیده است که اغلب در مقام تعریف این حق به بیان مصادیق آن پردازند.

گرچه ذکر مصادیق و حوزه های مختلف حریم خصوصی تا حد قابل توجهی گستره ی این حق طبیعی انسان را مشخص می سازد، لیکن چنانکه پیشتر اشاره شد، عدم اتفاق و تفاهم در میزان تأثیر عوامل مؤثر در تعیین معیارهای خصوصی، مانع از آنست که بتوان در خصوص مفهوم واحد این حق به نتیجه ی مطلوب رسید.

مصادیق کلی حریم خصوصی بشرح ذیل قابل

احصا می باشند:

۱- حریم جسمانی : دخالت و تعرض نسبت به تمامیت جسمی انسان (اعم از لطمه وارد کردن با تشعشعات اتمی زیان آور، تفتیش های درون جسمی و مانند آنها) بدون اجازه شخص، نقض حریم جسمی

او محسوب می شود و برای صاحب حریم این حق ایجاد می شود تا برای دفاع از حریم جسمانی خویش، با عواملی که موجب تجاوز به این حریم گردیده اند، به مقابله برخیزد.

۲- حریم فکری و روانی: برخورداری از امنیت روانی، بویژه در محدوده ی زندگی خصوصی خویش از حقوق مسلم همه انسان ها است.

براساس این حق ، مبادرت به هر گونه اقدامی که موجب سلب یا اختلال در آرامش روانی اشخاص گردد ، یا سلامت روانی آن ها را به مخاطره اندازد ، تجاوز به حریم امنیت روانی آنان محسوب می شود. برای سلب امنیت روانی انسان عوامل متعددی وجود دارد که به نظارت ها ، بازرسی ها و تجسس های نامشروع ، افشای اسرار و اطلاعات خصوصی و بطور کلی اموری که نشر آن موجب تکذّر و ناراحتی فردی می گردد و نیز تحت نظر قرار دادن غیر مجاز و مخفیانه ی اشخاص، می توان اشاره کرد.

۳- حریم خلوت فیزیکی: خانه و محل سکونت

هر شخص، حریم خصوصی او قلمداد می شود و هر گونه ورود و تعرض نامشروع و بدون اذن صاحب آن نقض حریم شخصی تلقی می گردد. همچنین هرگونه بازرسی یا تجسس در محل اختصاصی فرد، تجاوز به خلوت فیزیکی و تنهایی او شناخته میشود. علاوه بر محل سکونت و انزوای شخص، محیط کار فرد نیز، بشرط عمومی نبودن، حریم خصوصی او دانسته می شود و هر گونه نظارت مستقیم یا با استفاده از تکنولوژی (مانند نصب دوربین مخفی) که بدون اجازه ی صاحب حریم و بصورت نامشروع انجام پذیرد و یا اعمال محدودیت در مورد خلوت خصوصی افراد (اعم از محل کار یا سکونت شخصی) بمنزله ی نقض این حق خواهد بود.

تفتیش و بازرسی غیر قانونی و مسائل خصوصی اشخاص، از قبیل کیف، جیب، محل نگهداری اسناد و مدارک شخصی، رایانه و سایر وسایلی که جنبه شخصی دارد، نیز در حکم تعرض به حریم خصوصی افراد است.

۴ - حریم ارتباطات: مکاتبات و مراسلات، مکالمات تلفنی ثابت و سیار، مخابره بوسیله تلگراف، تلکس و فاکس، پست الکترونیک و بطور کلی همه ی اشکال گوناگون ارتباطی، جزئی از حریم خصوصی اشخاص محسوب می شود، و بازرسی، افشاء، ضبط، عدم مخابره، استراق سمع، سانسور، سوءاستفاده و تجسس نامشروع در انواع وسایل و شیوه های ارتباطی، نقض حریم شخصی افراد قلمداد می گردد.

باید توجه داشت که دستیابی بشر به فناوری های جدید و پیشرفته و توسعه ی ابزارها و تجهیزات ارتباطی، امکان و زمینه ی تعرض به حریم ارتباطات اشخاص را هموارتر و آسان تر نموده است، لذا ضرورت دارد که برای صیانت از حق حریم خصوصی، هماهنگی با توسعه فناوری های ارتباطی، نسبت به باز تعریف محدوده ی این حق و موارد نقض آن اقدام نمود.

۵ - حریم اطلاعات: اسرار و اطلاعات شخصی افراد، جزء مهمی از حریم خصوصی آنان را تشکیل می دهد و افشاء، نشر یا عمومی سازی این اطلاعات

تعرّض به قلمروی خلوت آنان محسوب می شود ، اعمّ از اینکه اقدام به تجاوز نسبت به حریم اطلاعاتی اشخاص آگاهانه و عمدی باشد یا اینکه از خطا و تصوّر شخص متعرّض ناشی شود.

اطلاعاتی که در قلمروی حریم خصوصی اشخاص قرار می گیرد، شامل همه ی اطلاعات و اسرار خصوصی آنان، اعمّ از اطلاعات مربوط به امور پزشکی، مکاتبات و مرسولات خصوصی، زندگی خصوصی خانوادگی، پرونده ها و آرای قضایی و جزائی علیه اشخاص، امور اقتصادی و مالی، مسائل شغلی، وقایع خصوصی افراد ، حتی ویژگی ها و عادات شخصی مخفی و غیر ظاهری افراد می گردد.

توجّه به این نکته ی مهم حائز اهمّیت است که تعرّض به حریم اطلاعاتی اشخاص تنها در مواردی نیست که اطلاعات و اسرار افراد بصورت نادرست و غیر واقعی در قالب نشر اکاذیب و یا افشاء و منتشر گردد، بلکه حتی اطلاعات درست و قابل انتساب فرد نیز تجاوز به حریم خصوصی او دانسته

می شود، همچنین افشاء و نشر اطلاعاتی که در روابط حرفه ای و شغلی (مانند رابطه ی درمانی پزشک و بیمار، یا ارتباط وکیل و موکل) در اختیار اشخاص قرار می گیرد، نیز تعرّض به حریم صاحب اطلاعات تلقی می شود، زیرا گیرنده اطلاعات بر اساس قاعده پذیرفته شده و عرفی مربوط به حفظ اسرار حرفه ای و شغلی، مکلف به محافظت و امانت داری از اسرار و اطلاعات شخصی مراجعین خود می باشند.

۶- حریم شخصیت : هر انسان دارای یک شخصیت و هویت مستقل و حقوقی است که این حریم اختصاصی مشتمل ، بر مشخصات هویتی شخص از قبیل : اسم، القاب، عناوین ، عکس و اعتبار اجتماعی او (اعمّ از اعتبار علمی ، هنری ، اقتصادی ، مذهبی و...) می باشد .

هیچکس حق ندارد از نام ، هویت و اعتبار یک شخص ، که جزئی از حریم خصوصی او محسوب می گردد ، برای مقاصد تبلیغاتی یا تجاری و یا هر هدف دیگری ، بدون اجازه و رضایت صاحب آن

استفاده نماید. هرگونه بهره برداری از مشخصات هویتی و اعتباری فرد و یا تصاحب آن از مصادیق بارز تعرض به حریم خصوصی او محسوب می گردد و برای استفاده کننده غیر مجاز موجبات مسئولیت مدنی و جزائی فراهم می شود .

۷ - حریم اقتصادی و مذهبی: آزادی عقیده، به مفهوم آزاد بودن انسان در انتخاب عقیده بدور از عوامل فشار، از حقوق مسلم همه ی انسانهاست و جزئی از حریم خصوصی بشر محسوب می شود. هرگونه تفتیش در عقاید شخص و یا تجسس در تعلقات مذهبی او ، که توسط اشخاص دیگر و یا عوامل حکومتی انجام پذیرد و یا حتی در پوشش نظامات و فرامین حکومتی باشد ، نامشروع است و تعرض به حریم خصوصی افراد قلمداد می گردد. اعتقادات و دینداری در واقع درونی ترین بُعد از شخصیت انسان محسوب می شود، و این حق همواره برای او محفوظ است که عقاید و مذهب خویش را مخفی نگهدارد و مانع از دسترسی دیگران به اعتقادات

شخصی خویش گردد.

البته باید توجه داشت که با ابراز و بیان عقاید توسط صاحب آن، این اطلاعات افشاء شده تلقی میشود و از دایره ی حریم خصوصی خارج می گردد. ویژگی این حق آنست که هیچگاه مشمول محدودیت ها و تعرض مجاز قرار نمی گیرد.

۸ - حریم خانوادگی و زناشویی: بی تردید حریم خانوادگی مهمترین بخش از خلوت شخصی انسانهاست و هر گونه مداخله یا تعرض به زندگی خانوادگی، نقض حریم خصوصی اشخاص محسوب می شود و موجب ایجاد مسئولیت برای متجاوز و حق دفاع و مقابله برای صاحب حق می گردد.

در حریم خانواده ، علاوه بر اینکه اشخاص و یا حکومت حق تجسس و مداخله در قلمروی زندگی خانوادگی دیگران را ندارند و اطلاعات و مسائل مربوط به هر خانواده تنها به اعضای همان خانواده مربوط میشود ، میان خود اعضای خانواده نیز حریم مستقلی وجود دارد که هیچ عضوی از خانواده حق ندارد تلاش

نماید تا به حریم عضو دیگر خانواده تجاوز و تعرّض نماید.

در قلمروی حریم خانواده، پدر و مادر به عنوان محورهای اصلی کانون خانواده دارای حقوق و حریم مشخصی هستند که سایر اعضای خانواده، بویژه فرزندان، می بایست در جهت رعایت این حریم تلاش نمایند. از جمله مواردی که در حریم اختصاصی والدین می باید مراعات گردد، حریم جنسی و زناشویی پدر و مادر است که برای آنان به عنوان یک زوج جنبه ی اختصاصی دارد و مداخله در آن بمنزله هتک حریم خصوصی والدین تلقی می شود.

همچنین والدین هر یک دارای حریم اختصاصی هستند که زوجین می بایست در حفظ و صیانت از آن کوشا باشند.

بر این اساس شوهر دارای حریم ویژه ای است که می بایست توسط همسر وی محترم شمرده شود و زن نیز در مواردی خاص از حریم شخصی برخوردار است که توسط همسر او محفوظ و محترم

دانسته شود.

فرزندان، بعنوان ثمرات ازدواج و اعضای کانون خانواده، به نوبه خود دارای حریم اختصاصی هستند که عدم رعایت آن توسط والدین و سایر اعضای خانواده می تواند موجب بروز مسائل و مشکلاتی گردد که استحکام و ثبات کانون خانواده را در معرض تهدید جدی خویش قرار دهد.

بطور کلی آرامش، امنیت، استقلال و آزادی در خانواده منوط به آنست که هر یک از اعضای خانواده حریم شخصی دیگر اعضا را به رسمیت بشناسد و آنرا مراعات کند.

بدیهی است که مداخلات مشروع والدین، که در راستای تربیت فرزندان خویش و جلوگیری از انحراف آنها ضروری باشد، بعنوان وظایف متعارف و ذاتی والدین تلقی می شود و اعمال آن در محدوده ی معین شده با توجه به عامل فرهنگ جامعه، نقض نامشروع حریم خصوصی فرزندان قلمداد نمی گردد.

۹ - حریم حیثیت و شرافت : حیثیت ، آبرو ،

ناموس، اعتبار و شهرت اجتماعی و شرافت بخش مهمی از حریم خصوصی اشخاص را تشکیل می دهد و تعرض به هر یک از آنها موجب هتک حریم خلوت و شخصی ایشان محسوب می گردد.

افشای اسرار شخص، تفسیر نادرست و نابجا از گفتار و کردار دیگران و یا سوء استفاده از مکاتبات و مراسلات و علنی نمودن اطلاعات ایشان، که موجب هتک حیثیت شخص می شود یا شهرت اجتماعی او را خدشه دار می سازد، از مصادیق بارز نقض حریم شخصی افراد است.

در تعلق عنوان نقض حریم خصوصی لازم نیست که اطلاعات و مطالبی که از شخص منتشر، افشا و یا به او منتسب می شود، خلاف واقع و کذب باشد، یا اینکه منتشر کننده عمداً به این اقدام مبادرت ورزد، بلکه حتی علنی کردن غیر عمدی اطلاعات و اخبار صحیح و درستی که صاحب آن تمایل به دسترسی دیگران به آنرا ندارد نیز می تواند موجب خدشه دار شدن حیثیت و اعتبار اجتماعی شخص

گردد و خواسته یا ناخواسته حریم شخصی او مورد تجاوز قرار گیرد.

عرضه ی تصاویر و متون مبتذل و یا عمومی سازی موضوعات خصوصی غیر اخلاقی از اشخاص با هدف لطمه وارد کردن به حیثیت و شرافت آنها از طریق اینترنت، ماهواره، پیام های تلفنی و سایر وسائل ارتباط جمعی، تجاوز به حریم معنوی، اعتبار اجتماعی و حیثیتی مشخص محسوب می گردد.

۱۰ - حریم اقتصادی و شغلی : معمولاً اشخاص تمایلی ندارند که اطلاعات مربوط به منابع و میزان و نحوه ی درآمد، دارایی و بطور کلی داده های شخصی تجاری آنان در دسترس دیگران قرار گیرد یا اشخاص دیگر از گردش و یا موجودی حسابهای بانکی آنان، میزان اعتبارات، وام ها، بدهیها و مطالبات ایشان مطلع گردند . این اطلاعات و سایر اطلاعات مشابه آن همچون : نام و مشخصات تجاری اشخاص در واقع در قلمروی حریم شخصی افراد قرار می گیرد و تعرض به آن، تجاوز به حریم خصوصی صاحب

اطلاعات است.

البته کارگزاران ذیصلاح حکومتی حق دارند که از اطلاعات اقتصادی و شغلی اشخاص کسب خبر و استعلام نمایند ، لیکن این حق اولاً- تنها در محدوده معین شده توسط قوانین و نظامات دولتی (مثلاً قانون مربوط به مالیات بر در آمد اشخاص) قابل اعمال خواهد بود. ثانیاً- مأموران حکومتی که از این اختیار بهره مند می باشند و حسب وظیفه ی شغلی خویش مبادرت به جمع آوری و دست یابی به این اطلاعات می نمایند ، میبایست اطلاعات مربوط به وضعیت اقتصادی اشخاص را بعنوان اسرار شغلی و حرفه ای خویش تلقی نمایند و از افشای آن نزد دیگران خود داری ورزند.

علاوه بر مالکیت اموال توسط اشخاص، که جزئی از حریم خصوصی آنان محسوب می شود ، حقوق مربوط به مالکیت فکری و معنوی ، از قبیل : ابداعات ، اختراعات و نوآوری ها نیز از مصادیق حریم اقتصادی اشخاص می باشد.

در قطعنامه ی کنگره بین المللی حقوقدانان که در سال ۱۹۶۷ میلادی در استکهلم برگزار گردید ، مصادیق ده گانه ای در خصوص تعرّض به حریم خصوصی اشخاص بیان شده است که البته بدلیل گذشت قریب ۵ دهه از صدور آن و تحولات سیاسی و اجتماعی دهه های اخیر، از جامعیت لازم برخوردار نمی باشد و تجدید نظر در آن ضروری بنظر می رسد.

اهمیت حریم خصوصی در اسلام

مسئله ی حمایت از حریم خصوصی اشخاص در نظام های حقوقی غرب، سابقه ی طولانی ندارد، لیکن این حق در ادیان الهی و بویژه در نظام حقوقی اسلام از پیشینه ای طولانی برخوردار می باشد و یقیناً ادیان ابراهیمی بیش از هر نظام حقوقی دیگر به این حق اهمیت و بها داده اند و بر حفظ و رعایت آن تأکید ورزیده اند.

در کتاب انجیل و تورات، بعنوان دو کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان، اشارات بسیاری به این موضوع وجود دارد و قوانین مشخصی راجع به مسئله ی حریم شخصی افراد ذکر گردیده است.

حق حریم خصوصی و ضرورت حمایت از آن در منابع اسلامی و فرمایشات بزرگان دین اسلام شناسایی و برآن تأکید فراوان شده است.

اهمیت شناسایی این حق توسط اسلام، علاوه بر موضوع قدمت و پیشینه ی تاریخی بیش از ۱۴ قرن از اعلام آن، از منظر موقعیت زمانی ظهور اسلام حائز

اهمیت خاصی می باشد.

دین اسلام در شرایطی ظهور کرد که عادات جاهلیت و سنت های وحشیانه و نهادینه شده در جزیره العرب و سایر سرزمینها، بر سر انسانها سایه افکنده بود تا آنجا که از «حق حیات» بعنوان بدیهی ترین حق بشری، نیز حمایت نمی شد، چرا که بسادگی دختران خویش رازنده بگور می کردند و برای آنان حق زندگی و ادامه ی حیات قایل نبودند.

در چنین شرایطی اسلام، بعنوان منادی حقوق بشر، بر رعایت حریم خصوصی همه ی انسانها (فارغ از عقیده و دین آنان) پای فشرد و همگان را به پرهیز از نقض قلمروی خصوصی اشخاص دعوت نمود.

اسلام هیچگاه تنها به بیان حق برای انسان بسنده نمی کند، بلکه علاوه بر بیان حق، شیوه های دست یابی و قلمروی آنرا مشخص می سازد و در نظام حقوقی خود برای حمایت از آن سازو کارها و ضمانت های اجرائی لازم تدارک دیده است.

در مقررات فقه اسلام، احکام متعددی در

خصوص حمایت از حریم خصوصی اشخاص و مقابله با متعرضین و متجاوزین به این حق مسلم انسانی وجود دارد. علاوه بر آن، سیره نبوی و امامان پس از رسول گرامی اسلام (ص) حاوی نمونه های عملی بسیاری در دفاع از حریم شخصی و خلوت اشخاص است.

گرچه از دیدگاه شریعت اسلام، علم افزایی و مقابله با جهل و نادانی از مهمترین عوامل و ابزار برای نیل به کمال دانسته شده است، لیکن در قلمروی حریم خصوصی دیگران، جهل و بی خبری نسبت به اسرار و آنچه در خلوت انسانها قرار می گیرد، مرتبه ای والا از دانایی و کمال محسوب میشود، زیرا انسان با تمایل نفسانی برای اطلاع از اسرار و مسائل خصوصی دیگران، به مقابله بر می خیزد و در این جدال به پیروزی دست می یابد و با اراده و پایداری خویش حرمت حریم خلوت دیگران را پاس می دارد.

مبانی حق حریم خصوصی در اسلام

چالشی که همواره نظام حقوقی غرب در زمینه ی حقوق بشر با آن مواجه بوده است، وجود تزلزل در مبانی و عدم امکان تعیین قلمروی دقیق برای هر یک از حقوق شناخته شده ی بشری است که علت اساسی آن فقدان وجود نظام ارزشی معینی می باشد.

در شریعت اسلامی هر یک از حقوق انسانی مبتنی بر اصول و قواعدی ارزشی است که شناخت این مبانی و ارزشها سبب استحکام این حقوق و عدم ایجاد چالش در قلمروی اعمال آنها می گردد.

مروری گذرا بر اهمّ مبانی حقّ حریم خصوصی در نظام حقوقی اسلام، بیانگر عمق دیدگاه اسلام نسبت به این حقّ مسلمّ انسانی است :

(۱) اصل کرامت ذاتی انسان : دیدگاه اسلام در خصوص مبانی حقوق بشر (منجمله حقّ حریم خصوصی انسان) برخلاف تفکر مادی و اومانستی غربی (که بدلیل عدم توجه کافی به بعد معنوی وجود

انسان گرفتاری هویتی و تزلزل می باشد) ، توجه به اصل کرامت و شرافت ذاتی انسان است.

شریعت اسلام بر اساس کرامت ذاتی بشر، حقوقی را برای او به رسمیت شناخته است که یکی از این حقوق « حق حریم خصوصی » برای هر انسان می باشد.

انسان مورد نظر اسلام، شخصیتی است که علاوه بر بعد جسمانی اش، دارای بُعد معنوی و روحانی است که از روح الهی بوجود او دمیده شده (ونفخت فیهِ مِنْ رُوحِی/قرآن کریم -سوره حجر آیه ۲۹) و بُعد معنوی و روحانی انسان موجب تمایز او از سایر موجودات گردیده و به او کرامت و شرافت بخشیده است.

قرآن کریم برتری انسان بر سایر موجودات را چنین بیان می کند : (و لقد کرمنا بنی آدم و حملناهم فی البرّ والبحر و رزقناهم من الطّیبات و فضلناهم علی کثیرٍ ممّن خلقنا تفضیلاً).

یعنی : (و همانا گرامی داشتیم فرزندان آدم را و

سوارشان کردیم در دشت و دریا و روزیشان دادیم از پاکیزه ها ، و برتریشان دادیم بر بسیاری از آنان که آفریدیم، برتری دادنی).سوره اسراء- آیه ۷۰.

پاسداری و صیانت از کرامت انسانی موکول به شناسایی و حفظ حریم خصوصی اوست و آنگاه که انسان حریم خلوت دیگری را پاس می دارد، در واقع شأن و کرامت آدمی را ارج می نهد.بر همین مبناست که اسلام مقررات سخت گیرانه ای را برای تجاوز و تعرض به قلمروی حریم خصوصی اشخاص وضع نموده و آن را بعنوان یک راهبرد اساسی در حقوق کیفری خود منظور داشته است.

پاسداشت حریم خلوت اشخاص در احکام اسلامی از آن جهت است که اسلام انسان را به عنوان زیر بنای هر تربیت و سازندگی قلمداد می کند و حرمت او را ضروری و حیاتی می داند.

۲ - اصل عدم ولایت انسانها بر یکدیگر: از دیدگاه شریعت اسلامی ولایت مطلقه مختص ذات ربوبی است و تنها خداوند یکتاست که بر جان و مال

و همه شئون انسان ها حاکمیت و ولایت دارد.

قرآن کریم در بیان اصل توحید ، چنین به حاکمیت مطلقه ی الهی تصریح می کند : (و هو الله لا اله الا هو، له الحمد فی الاولى والاخره و له الحكم و إليه ترجعون).

یعنی : (و اوست خدا، نیست پروردگاری جز او، برای اوست سپاس در آغاز و انجام، و برای اوست حکم، و به سوی او بازگردانیده شوید).سوره قصص-آیه ۷۰ همچنین قرآن کریم صراحتاً هرگونه حاکمیتی که منشأ آن حاکمیت الهی نباشد را مردود دانسته است: (...ان الحُکْمَ اِلَّا لِلّٰهِ، امر اِلَّا تعبدوا اِلَّا اِیَّاهُ، ذلک الدّین القیم و لکن اکثر النّاس لا یعلمون).

یعنی: (فرمانی جز برای خداوند نیست، فرمود که نپرستید جز او را، اینست دین استوار، ولیکن بیشتر مردم نمی دانند).سوره یوسف -آیه ۴۰

بنابراین اقتضای اصل ابتدایی و مسلّم آنست که اشخاص برجان ، مال و امور شخصی یکدیگر ولایت ندارند ، مگر آنکه برای ولایت آنان دلیل عقلی

یا شرعی معتبر اقامه گردد.

بدیهی است آنجا که به سبب فقدان دلیل عقلانی یا شرعی در ولایت بر دیگری تردید و شبهه ای پدید آید ، می بایست با رجوع به اصل کلی حرمت انسان ، حکم بر عدم ولایت اشخاص بر یکدیگر صادر نمود ، زیرا اعمال هرگونه ولایت نامشروع انسان ها بر یکدیگر مغایر با اصل آزادی انسان تلقی می شود و موجب عدم امکان بهره گیری او از آزادی ها و حقوق طبیعی خویش است و لذا تجاوز و ظلم به انسان قلمداد می شود.

در مقررات دین مبین اسلام، ولایت در امور محجورین و صغار، که تحت عنوان «امور حسبیه» نامیده می شود، به رسمیت شناخته شده است و مبنای آن حفظ حقوق آنان و رعایت مصلحت عامه می باشد.

بعلاوه مقررات شرع مقدس اسلام، اولاً- ولایت حاکم اسلامی را که تداوم ولایت پیامبراکرم (ص) و جانشینان صالح اوست ، در چارچوب و محدوده

شریعت اسلامی مجاز می‌داند. ثانیاً- بادر نظر گرفتن شرایط خاص و ویژه ای برای حاکم اسلامی، از قبیل تقوی و التزام عملی او به احکام اسلام، اعمال ولایت او را از دایره علایق شخصی او خارج می‌سازد. ثالثاً- جز در موارد استثنایی که به مصلحت عمومی اقتضا نماید، ولایت حاکم در حوزه ی عمومی اعمال می‌گردد و حوزه ی خصوصی حتی الامکان از تعرض قدرت او مصون می‌ماند. رابعاً- برای تشخیص و احراز مصلحت عامه و جلوگیری از هر گونه سوء استفاده و تجاوز نامشروع به حریم خصوصی اشخاص، ساز و کارهای مشخصی ارائه نموده است تا حاکم اسلامی در آن محدوده قدرت حاکمیت داشته باشد. بدیهی است که ولایت حاکم اسلامی ناشی از حاکمیت مطلقه الهی می‌باشد که در حدود معینی به او واگذار شده است و مادام که شرایط احراز آن در وی وجود داشته باشد، قابل اعمال است و با خروج از این شرایط، خود به خود از این مقام عزل می‌شود و صلاحیت ولایت وی زایل می‌گردد.

۳) اصل عدم جواز مداخله در امور دیگران: در نظام حقوقی اسلام، منع مداخله در شئون فردی و حریم خصوصی اشخاص یکی از اصول راهبردی محسوب می شود و بموجب آن ، اولاً- همه ی انسان ها در امور خصوصی خویش از آزادی عمل برخوردار می باشند. ثانیاً- هرگونه مداخله ی دیگران در خلوت شخصی افراد ، خلاف اصل کلی عدم مداخله می باشد و تنها در صورتی مجاز دانسته میشود که صاحب حریم چنین مداخله ای را تقاضا کند و یا به دیگری اذن در مداخله بدهد.

مفهوم مداخله لزوماً مبادرت به اقدام فیزیکی نیست، بلکه هرگونه نظارت مخفیانه و پنهانی و تحت نظر قرار دادن دیگران و یا تفحص، تجسس در امور اشخاص و یا افشای اسرار و عیوب آنان، نوعی دخالت و تعرض به حریم خصوصی ایشان محسوب می گردد و با اصل منع مداخله منافات دارد.

مصادق بارز این اصل، آزادی دارا بودن عقیده

در اسلام است.

قرآن کریم اکراه در پذیرش عقیده را مردود دانسته و فرموده است : (لا اکراه فی الدین).
یعنی : (و نیست بناخواه واداشتنی در دین). سوره بقره- آیه ۲۵۶

در حوزه ی حریم خصوصی، گرچه اسلام تکلیف فردی انسان ها را در مسیر تعالی و تکامل آنان مقرر داشته است ، ولی با آنچه انسان در خلوت خویش می کند مداخله ای ندارد. آنگاه که انسان اقدام به عرضه گفتار و عمل در حوزه ی عمومی می کند ، بلحاظ آن که ابراز بیان و کردار شخص واجد اثر در حوزه اجتماع است ، لذا ابراز کننده می باید پاسخگو باشد، مانند مسئله ی ارتداد ، که بلحاظ اثر اجتماعی آن ، در شریعت اسلام برای مُرتد احکام خاصی در نظر گرفته شده است.

(۴) اصل حرمت خون، مال و عرض مسلمان:
شریعت اسلام خون، مال و عرض مسلمانان را بر یکدیگر حرام نموده است و مطابق این قاعده ی کلی هیچکس نمیتواند نسبت به جان و مال و آبروی دیگری

تعدی و تجاوز نماید.

پیامبر اسلام (ص) در خطبه ای که در حجة الوداع در میان انبوه مسلمانان بیان شد، بر این اصل تأکید ورزیده و فرموده است : « ای مردم، خون ها و اموال شما تا روز قیامت بر یکدیگر حرام است».

سیره ی ابن هشام- ج ۲ صفحه ۶۰۳

رسول مکرم اسلام (ص) همچنین حرمت خون، مال و عرض مسلمانان را در حدّ حرمت کعبه می دانند و همگان را به احترام متقابل و حفظ این حرمت سفارش می فرمایند.

صیانت از جان و مال و آبروی مسلمانان از حقوق اولیه هر عضو از جامعه ی اسلامی محسوب می شود و علاوه بر تکلیف فردی هر شخص در پاسداشت حریم شخصی دیگران ، دولت اسلامی مکلف است تدابیر لازم را برای حفاظت از این حق مسلم اتخاذ نماید و با متجاوزین و حرمت شکنان به حریم جان و مال و عرض دیگران با جدیت مقابله نماید.

باید توجه داشت که اصل حرمت جان و آبروی

اشخاص در جامعه اسلامی تنها اختصاص به مسلمانان ندارد، بلکه همه اشخاصی که در قلمروی حکومت اسلامی زندگی می کنند از این حق بهره مند می باشند و غیر مسلمانان که بر علیه مسلمانان و دولت اسلامی توطئه و فتنه نمایند، از این احترام برخوردارند و دیگران حقّ تعرّض به ایشان را ندارند.

(۵) اصل خصوصی بودن امور اشخاص: از نظر

شریعت اسلام، اصل بر خصوصی بودن امور اشخاص است، و عمومی بودن نیازمند دلیل و اثبات است. بر این مبناست که تجسس و استنطاق از امور مربوط به اشخاص، جز در مواردی که با دلیل اثبات شود که از مصادیق حوزه عمومی و مربوط به جامعه و دیگران است، جائز و پذیرفتنی نیست.

(۶) اصل سلطه انسان بر شئون خویش: اصل

سلطنت انسان بر شئون و امور خود مبتنی بر حدیث نبوی است که از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل گردیده است و مورد اتفاق و قبول همه ی مسلمانان می باشد، که فرمود: « انسانها بر اموال خویش سلطه دارند ».

گرچه فرموده ی پیامبر اکرم (ص) ظاهرأ مربوط به تسلط انسان بر اموال خویش است، لیکن بنا به اصول عقلی و به طریق اولی این حکم تنها منحصر به حقوق مالی انسان نیست ، بلکه همه ی حقوق انسانی ، از جمله حقوق معنوی و غیر مالی او را نیز شامل می شود. بر این اساس انسان ها بر شئون زندگی و حقوق خویش تسلط دارند و لازمه ی آن اینست که انسان ها حق ندارند تا بر حقوق دیگران سلطه یابند.

قرآن کریم سلطه ی انسانها بر سرنوشت و زندگی خویش را چنین بیان می کند : (ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم). یعنی: (همانا خداوند دگرگون نکند آنچه را مربوط بگروهی است، تا دگرگون سازند آنچه را که خود آنانست). سوره ی رعد- آیه ۱۱

تسلط انسان بر شئون خویش همچنین شامل حریم خصوصی و خلوت او نیز می شود و هرگونه تسلط و غلبه غیر مجاز و بی دلیل دیگری بر خلوت

شخصی انسان ، نقض این قاعده ی مهم و خلاف اصل سلطه کامل انسان بر سرنوشت خویش قلمداد می گردد و برای هیچ شخصی جائز نیست.

بدیهی است قلمروی قاعده ی تسلیط تنها شامل حقوق مشروع انسانی اوست و امور و تصرفاتی که مستلزم مبادرت به محرّمات یا ایجاد فساد یا ترویج آن باشد ، از شمول این قاعده خارجند.

(۷) حکم عقل و وجدان: بی شک سرکشی و حضور ناخواسته و تحمیلی در حریم زندگی شخصی و تجسس و تحت نظر قرار دادن خلوت خصوصی دیگران و کنکاش در امور خصوصی اشخاص، از مسائلی است که هر عقل سلیم و وجدان پاک آنرا تقبیح می کند و هر انسان مُنصف و متعادلی آنرا گناه و خطا می داند.

قلمرو حریم خصوصی در اسلام

شریعت اسلام حفظ حریم خصوصی اشخاص را نه تنها وظیفه فردی همه انسان ها ، بلکه مسئولیتی اجتماعی و تکلیف حکومت و دولت اسلامی می داند و هرگونه تجاوز و مداخله نامشروع در حریم خصوصی افراد (اعم از اینکه توسط اشخاص دیگر و یا کارگزاران حکومتی صورت پذیرد) را گناه و حرام می داند و همگان را به رعایت این حریم مقدس و پرهیز از نقض و تجاوز به آن دعوت می کند و برای کسانی که مرتکب تعرض به خلوت شخصی دیگران شوند، علاوه بر کیفر و جزای اخروی، مجازات و کیفر دنیوی در نظر گرفته است.

بی تردید اگر محدوده ی خلوت شخصی افراد در همه ی ابعاد مورد نظر تعریف و معین نشود و هر شخصی به سلیقه و فکر خویش آنرا مشخص نماید، نباید انتظار داشت که از این حریم پاسداری و صیانت لازم بعمل آید.

اسلام با بیان محدودیت های مربوط به حریم

خصوصی ، اعمالی که موجبات نقض این حریم را فراهم میسازد، معین کرده و انسانها را از ارتکاب این اعمال منع نموده است و برای مرتکب اینگونه اعمال مجازات در نظر گرفته است.

برخی از این عوامل عبارتند از: تجسس و تفتیش در خلوت و اسرار دیگران، ورود بدون اجازه به حریم منزل و مسکن اشخاص، استراق سمع از مکالمات افراد، سوء ظن و بدگمانی نسبت به دیگران، استراق بصر و نگاه غیر مجاز به مکاتبات و خلوت اشخاص، سخن چینی، غیبت، سب و دشنام و هجو، اشاعه فحشاء و هتك ستر از دیگران ، عیب جویی و هتك آبروی اشخاص.

هریک از عوامل فوق به اختصار مورد بررسی قرار خواهد گرفت و راهکارهای پرهیز از آنها در تعالیم عالیه ی اسلام بیان خواهد شد.

۱ - ممنوعیت تجسس و تحسس:

در کتب لغت برای واژه ی «تجسس» معانی مختلفی از جمله: لمس کردن بوسیله ی دست، دست زدن، جستجو کردن، بررسی کردن، معاینه کردن با دست، کسب خبر و تحقیق کردن بیان شده است که ریشه ی این معانی یا وجه مشترک آنها، تلاش برای کسب اطلاع از دیگری است.

مفهوم اصطلاحی تجسس آنست که شخص بدنبال کسب خبر و مطلع گردیدن از اموری باشد که صاحبش سعی در کتمان و مخفی نگه داشتن آن از دیگران نموده و یا تمایلی به دسترسی دیگران به آن را ندارد، به شخصی که مبادرت به چنین اقدامی می نماید، «جاسوس» اطلاق می شود.

واژه ی «تحسس» نیز به مفهوم کسب خبر و مطلع شدن از اخبار مربوط به دیگران است.

برخی تجسس و تحسس را مترادف یکدیگر دانسته اند و در مفهوم برای آنها فرقی قائل نیستند، ولی پاره ای وجه تمایز این دو واژه را در آن می دانند که

در تجسس، جاسوس بدنبال اخباری است که از او کتمان گردیده است، ولی در تحسس کسب اطلاع از اخبار دیگران است، بدون اینکه کتمان در کار باشد. همچنین گفته اند که تجسس، تفحص و تلاش برای کسب خبر از بواطن امور دیگران است نه در ظاهر و امورشکار، ولی تحسس مربوط به اخباری است که انسان بدون تلاش زیاد با بعضی از حواس خود آنها را درک می کند. گاه نیز واژه ی تجسس و تحسس را بر مبنای هدف از انجام آن متمایز ساخته اند و بر این اساس تجسس را به تتبع و تفحص در اخبار دیگران با هدف شر و بدی و با قصد انتقال آن به دیگران تعبیر نموده اند و تحسس را به آگاهی جستن از ظواهر امور دیگران با نیت خیر خواهانه و بدون هدف شر و برای خویش (نه دیگران) اختصاص داده اند.

ارکان تجسس و تفتیش عبارتند از:

الف - تفحص و تتبع در امور پنهان و کتمان شده ی اشخاص، که تمایلی به دسترسی دیگران ندارند.

ب - خصوصی بودن و شخصی بودن آن امور
 بنحوی که دسترسی به آن حق و در اختیار صاحب
 آنست.

ممنوعیت تجسس در کلام الهی تصریح و
 تاکید گردیده است ، قرآن کریم خطاب به ایمان
 آورندگان چنین خطاب فرموده است: (یا ایها الذّین
 آمنوا...ولا تجسسوا...).

یعنی : (ای کسانی که ایمان آورده اید، در امور دیگران
 تجسس نکنید). قرآن کریم -سوره حجرات آیه ۱۲
 همچنین پیامبر گرامی اسلام(ص) به صراحت
 فرمود: (من مأمور نگردیده ام تا دل های مردم را
 بشکافم و از افکار درونی و نهانی آنها با خبر شوم).
 میزان الحکمه - ری شهری- ص ۳۹۱

تجسس و کنجکاوی در امور خصوصی
 دیگران از یکطرف برای جاسوس اعتیاد آورست و
 او را اسیر و گرفتار می کند، و از سوی دیگر اثر
 وضعی آن در اجتماع، ایجاد حسّ نا امنی است و
 موجب میگردد که اعتماد و امنیت عمومی ، که سرمایه

بزرگ اجتماع محسوب می گردد، خدشه دار شود، بویژه اگر تجسس و تفحص نامشروع و نابجا از سوی حکومت در امور خصوصی مردم انجام پذیرد، که بنا به فرموده پیامبر اسلام (ص) موجب ایجاد فساد در جامعه و میان مردم خواهد شد. (سنن ابن داود- ج ۴-صفحه ۲۷۲)

حتی در کانون خانواده نیز چنانچه والدین نسبت به یکدیگر یا فرزندان خویش چنین اقدامی نمایند که از حد نظارت متعارف و بایسته فراتر رود و تجسس قلمداد شود، این امر موجب بروز بیماری سوءظن، بی اعتمادی و نهایتاً ایجاد تزلزل در ارکان خانواده خواهد شد.

دراحوکام شریعت اسلام به صاحب منزل این حق داده شده است تا هرگاه کسی در جهت تجسس از درون منزل او تلاش نماید، او را از این اقدام منع کند و چنانچه جاسوس رفع مزاحمت نکند و به تجسس خویش ادامه دهد، صاحب منزل با پرتاب سنگ ریزه او را از این اقدام نامشروع بازدارد، و اگر این اقدام منجر

به مجروح شدن و یا حتی مرگ غیر عمدی جاسوس گردد، صاحب منزل از نظر مقررات شرعی ضامن محسوب نمی شود.

علاوه بر تجسس در خلوت فیزیکی اشخاص ، تفتیش عقیده نیز از مصادیق بارز تجسس و تعرض به حریم شخصی صاحب عقیده قلمداد می شود و مورد نهی شارع مقدس اسلام است.

باید توجه داشت که علت اساسی حساسیت اسلام در ممنوعیت تجسس در احوال شخصیه و حریم خصوصی اشخاص آنست که تفتیش و تجسس یکی از عوامل مهم و تأثیر گذار در تخریب روابط اجتماعی و انسانی بشمار میرود و بسیاری از آسیبهای اجتماعی از این عامل نشأت میگیرد و مبارزه با این آفت اجتماعی می تواند در جهت تحکیم روابط انسانها در اجتماع، نقش سازنده و اساسی داشته باشد.

البته لازم است بین تجسس در حوزه ی امور اجتماعی و حریم خصوصی اشخاص تفاوت قائل شد. آنچه مورد نهی شریعت اسلام قرار گرفته است و

عمل حرام و غیراخلاقی معرفی گردیده ، تجسس در امور خصوصی اشخاص است، زیرا این امر با کرامت و شرافت انسانی در تغایر و تضاد است، حال آنکه تجسس در امور اجتماعی که برای رفع فساد انجام می پذیرد، به عنوان ضرورت و در جهت مصلحت عامه ی مردم ضروری و لازم است و از وظایف دولت اسلامی بشمار می رود، و بر این اساس مصادیق تجسس در حوزه ی اجتماعی با حوزه ی خصوصی اشخاص متفاوتند.

مصادیق تجسس در امور اجتماعی عبارتند از :
بازرسی و نظارت مستمر بر رفتار اجتماعی اشخاص در جامعه، مراقبت و زیر نظر گرفتن اقدامات و تحرک دشمنان و تلاش برای کسب خبر و اطلاعات در خصوص حوادث تأثیر گذار در جامعه.

مصادیق تجسس درحوزه ی حریم خصوصی اشخاص عبارتند از: تلاش برای کسب خبر از مسائل خصوصی دیگران از طریق استراق سمع با حضور فیزیکی یا تجهیز درخلوت اشخاص، بازرسی ازوسایل

شخصی و خصوصی اشخاص، استنطاق و پرسش نمودن از اسرار و مسائل خصوصی افراد، تلاش برای کشف معاصی، عیوب شخصی و یا مفاسد اخلاقی غیر علنی اشخاص از قبیل استشمام برای کشف شرب خمر بصورت غیر علنی، و بطور کلی هر گونه تجسس و تفتیش غیر ضروری که با عنایت به ذکر متعلق حکم «ولاتجسسوا» مورد حرمت مطلق شارع مقدس اسلام قرار گرفته است.

۲. ممنوعیت ورود غیر مجاز به خلوتگاه اشخاص

بی شک منزل و مسکن از مصادیق بارز و مهم حریم خصوصی اشخاص است و ورود بدون اجازه به آن، نقض حریم خلوت صاحب منزل و تجاوز به حق مسلم او محسوب می شود.

در آیات قرآن کریم و سنت نبوی و جانشینان صالح پس از ایشان، آداب مشخصی برای ورود به منزل و حریم اشخاص در نظر گرفته شده است و مسلمانان به رعایت این آداب مکلف گردیده اند. مطابق این آداب، هرگاه کسی بخواهد به منزل

و حریم شخصی دیگری وارد شود ، می بایست اقدامات ذیل را معمول دارد :

۱ - استیناس : ورود به محل سکونت و حریم خصوصی دیگران مستلزم آنست که شخص ابتدا خود را به اهل منزل و حریم معرفی نماید. قرآن کریم می فرماید: (یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوتاً غیر یئوتکم حتی تستأنسوا...).

یعنی: (ای اهل ایمان، هرگز به هیچ خانه ای مگر خانه های خودتان وارد نشوید، تا اینکه با صاحبش انس ندارید...). سوره نور-آیه ۱۲۷

استیناس عبارت است از معرفی و ارائه آشنایی و انس شخص وارد با صاحب خانه.

توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که در قرآن کریم از واژه ی «استیناس» بهره گیری شده، که ریشه ی آن «انس» است و پیام آن اینست که برای وارد شدن به حریم منزل دیگران باید شخص وارد با محبت و ملاحظت و از روی ادب و دوستی خود را به اهل خانه معرفی نماید.

۲- استیذان : ورود به بارزترین مصداق از حریم خصوصی اشخاص منوط به آنست که ابتدا از اهل خانه کسب اجازه شود.

عادت مسلمانان در صدر اسلام و در تداوم رسم اعراب جاهلی آن بود که بدون کسب اجازه به خانه های دیگران (و از جمله به خانه ی پیامبر اکرم-ص-) وارد می شدند، لذا برای اصلاح این رفتار نادرست، پرهیز از هتک حرمت منازل دیگران و پاسداشت حریم خلوت اشخاص، قرآن کریم مقرر فرمود که مسلمانان علاوه بر استیناس، پیش از ورود به خلوتگاه دیگران ، از اهل خانه کسب اجازه نمایند و تا زمانیکه به آنان اذن ورود داده نشده است، از داخل شدن به حریم منزل دیگری امتناع نمایند : (فان لم تجدوا فیها احداً، فلا تدخلوها حتی یؤذن لکم).

یعنی (و اگر در خانه ای کسی را نیافتید، پس وارد آن خانه نشوید تا اجازه یافته، آنگاه در آید). قرآن کریم-

سوره نور- آیه ۲۸

سیره پیامبر اسلام(ص) آن بود که حتی برای ورود

به خانۀ دخترش، حضرت فاطمه ی زهرا (س)، پس از سلام بر اهل منزل از او کسب اجازه می فرمود و هیچگاه شخص پیامبر (ص) یا همراهان وی بدون استیذان به منزل او وارد نمی شدند.

طبیعی است که انسان نباید انتظار داشته باشد که صاحب منزل، هر زمان آمادگی پذیرایی از او را داشته باشد و لزوماً به استیذان او پاسخ مثبت بدهد، و اجازه ورود صادر کند، بلکه حرمت منزل و حقوق صاحب آن ایجاب می کند که چنانچه آمادگی پذیرش او را نداشته باشد و به استیذان او پاسخ منفی بدهد، از ورود به خانه ی او خودداری نماید و بدون تکدّر و ناراحتی از منزل وی بازگردد، زیرا چه بسا انسان ترجیح دهد پاره ای از اوقات خویش را بدور ازدغدغه های ناشی از حضور در اجتماع و تماس های با دیگران، با نزدیکان خویش خلوت نماید و یا فارغ از قید و بند های متعارف و موجود، در پناهگاه امن خویش خلوت گزیند و اوقات خاصی از دیگران فاصله بگیرد و آزاد باشد.

این امر در تعالیم قرآن کریم چنین مورد تصریح قرار گرفته است: (وإن قيل لكم إرجعوا، فارجعوا هو أزكى لكم و الله بما تعملون علیم). یعنی : (و چون به خانه ای در آمدید و گفتند برگردید ، پس بازگردید که این برای تنزیه و پاکی شما بهتر است و خدا به هرچه می کنید ، آگاه است).
سوره نور- آیه ۲۸

عمق دیدگاه اسلام در زمینه ی مسئله ی حریم خصوصی آنگاه تجلی می کند که سیره ی نبوی برای استیذان جهت ورود به محل سکونت دیگری نیز آدابی مقرر داشته است، از جمله آنکه در زمان استیذان نمی بایست روبروی درب خانه ایستاد. روایت گردیده است که پیامبر اسلام (ص) به ابو سعید، از یاران خویش ، که برای اخذ اجازه ی ورود به منزل، مقابل درب منزل ایشان ایستاده بود، فرمود که هنگام طلب اذن ورود روبروی درب ورودی منزل نایستد، بلکه سمت راست یا چپ درب توقّف کند که باگشودن آن برداخل منزل اشراف پیدانکند و سبب

نا امنی اهل خانه نگردد.

۳- سلام بر اهل منزل: دستور اسلام آنست که شخص متقاضی ورود به حریم منزل دیگری، پس از استیناس بر اهل خانه سلام کند و منتظر پاسخ آن باشد و هیچگاه بدون اهدای سلام به منزلی وارد نشود.

قرآن کریم در این خصوص چنین تصریح فرموده است : (یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا و تسلّموا علی اهلها...).

یعنی: (ای آنانکه ایمان آورده اید، داخل خانه نشوید، خانه هایی را جز خانه های خویش تا آشنا شوید و سلام کنید بر اهلش). سوره نور آیه ۲۷

۴- ورود از مجرای متعارف: پس از استیناس و استیدان از صاحب خانه، انتظار می رود که شخص از مجرای متعارف و مقرر به خلوت او وارد شود، نه از مجرای نا متعارف و نامعمول .

قرآن کریم در تأکید رعایت این نکته چنین می فرماید: (و لیس البرّ بأن تأتوا البیوت من ظهورها و لكن البرّ من إتقی، وأتوا البیوت من ابوابها و إتقوا الله

لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ).

یعنی: (نیکوکاری بدان نیست که از پشت دیوار خانه در آید، چه این کار ناشایسته است، بلکه نیکوکاری آنست که پرهیزکار باشید و از درب ها به خانه ها داخل شوید و تقوا پیشه کنید، باشد که رستگار شوید).سوره بقره-آیه ۱۸۹

این امر حتی در بازرسی های مجاز از خلوتگاه اشخاص نیز می بایست مورد توجه و رعایت قرار گیرد تا موجبات اخلال در امنیت اشخاص فراهم نگردد.

اعلامیه حقوق بشر اسلامی به حرمت مسکن اشخاص چنین اشاره می کند: (مسکن در هر حالی حرمت دارد و نباید بدون اجازه ی ساکنین آن به صورت غیر مشروع وارد آن شد و نباید آنرا خراب یا مصادره کرد، یا ساکنینش را آواره نمود).بند ج- ماده ۱۸ اعلامیه

بدیهی است کارگزاران و عوامل دولتی نیز جز در مواردی که قانون بنا به مصالح عامه تجویز نموده است،

حق ندارند بدون اخذ رضایت مالک به خلوت او وارد شوند و امنیت او را به مخاطره بیفکنند.

۳. ممنوعیت هتک ستر و اشاعه ی فحشاء

مفهوم هتک ستر اینست که شخص اقدام به پرده دری و افشای مسائل کتمان شده ی دیگری نماید و حریم خصوصی او را مورد تعرض و تجاوز قرار دهد. شاخصه ی اصلی هتک ستر عبارتست از : افشای مسائل و اطلاعاتی که اشخاص نوعاً از فاش ساختن آن خودداری می ورزند و یا کتمان آنرا بر افشاء و علنی سازی آن ترجیح می دهند.

در نظر گرفتن ضابطه ی نوعی، جای ضابطه ی شخصی در بیان مفهوم سیر از آن جهت که چه بسا یک انسان از افشای پاره ای اسرار خویش ، که معمولاً اشخاص آنرا کتمان می کنند و تمایلی به افشای آن ندارند، ناراضی و بی رغبت نباشد و یا به علنی سازی آن رضایت دهد، لیکن افشای این اسرار مصداق «اشاعه ی فحشاء» در جامعه قلمداد شود، بدیهی است که در اینگونه موارد حتی رضایت صاحب

حریم خصوصی نیز نمی تواند جواز هتک ستر و افشای اسرار تلقی شود، زیرا با اشاعه ی مواردی که با اخلاق عمومی جامعه تناقض دارد ، تجاوز به حقوق عامه محقق می شود، چنانکه مثلاً در منابع اسلامی بر مسئله ی حفظ عورت انسان تأکید فراوان شده است و براین اساس کشف عورت مجاز دانسته نشده و افشا کننده ی آن به جرم اشاعه دهنده ی فحشاء گنهکار معرفی گردیده است و چنین فردی مستحق مجازات و کیفر می باشد.

پیامبر اسلام (ص) در تقبیح اشاعه ی فحشاء بوسیله افشای اسرار غیر اخلاقی دیگران فرموده اند: (همانا کسی که اشاعه ی فحشاء می کند، همانند کسی است که آن فحشاء را بوجود آورده است).
تحریر الوسيله امام خمینی ص ۹۴

از صفات خداوند متعال «ستاریت» اوست و پروردگار زشتی ها و کارهای قبیح انسان ها را می پوشاند و پرده پوشی عیوب مردم را وظیفه ی همه ی انسان ها می داند و پرده پوشان را دوست خود می دارد.

در تعالیم اسلامی «حق ستاریت» یکی از حقوق مسلمانان بر یکدیگر است و بر مسلمانان واجب است تا این حق را رعایت نمایند. بر این مبنا یک مسلمان وظیفه مند است که عیوب دیگران را مخفی و مکتوم نگه دارد و از افشا و علنی ساختن آنها و پرده دری، که موجب هتک آبروی مسلمان دیگری می شود یا اینکه عفت عمومی جریحه دار می گردد، امتناع ورزد، هرچند که در خفا و نهان اجازه دارد برای اجرای وظیفه ی امر به معروف و نهی از منکر، دیگری را از عیوبش آگاه سازد و از ارتکاب عمل نادرست و غیر اخلاقی نهی کند.

علت اساسی حساسیت شریعت اسلام در مسئله اشاعه فحشاء و پرده دری از امور دیگران، علاوه بر ضرورت عقلی و وجوب شرعی کتمان عیوب خویش از دیگران و منع افشای لغزشها و اسراری که علنی ساختن آنها جائز و پسندیده نیست، آثار سوء اجتماعی مترتب بر هتک سترایشخاص است که موجب گسترش فحشاء و فساد اخلاقی در جامعه می گردد.

از طرفی حفظ حرمت و کرامت ذاتی انسانی اقتضا دارد که علاوه بر منع دیگران، خود انسان نیز از علنی شدن و افشای اسرار خویش که موجب وهن و یا تخریب شخصیت او می شود، خودداری ورزد و با پرده دری از اسرار مکتوم خویش، که افشای آنها نا متعارف و مذموم است مقابله نماید.

لذا دین مبین اسلام علاوه بر اینکه حکومت و کارگزاران و عوامل آن، و نیز اشخاص دیگر را از تجسس و ورود به حریم خصوصی انسانها و افشای اسرار، از جمله فساد اخلاقی آنان، مؤکداً منع میکند، صاحب حریم را نیز مجاز نمی داند تا شخصاً به افشا و اشاعه آن دسته از اسرار خویش، که بدلیل ضرورت مکتوم ماندن آنها، در اصطلاح به «عورت» تعبیر گردیده است، اقدام کند یا اجازه ی بر ملا ساختن آن را به دیگری بدهد.

شاید در بسیاری از موارد صاحبان حریم خصوصی بتوانند اجازه دسترسی و مداخله ی در حریم شخصی خود را به دیگران بدهند، ولی آنجا که امکان دسترسی

و ورود دیگران به حریم خلوت اشخاص موجب اشاعه و گسترش فحشاء در جامعه گردد، این حق حتی برای صاحب حریم نیز وجود ندارد.

۴. ممنوعیت عیب جویی از دیگران

مفهوم عیب جویی آنست که انسان تلاش نماید تا از عیوب دیگری آگاهی یابد و لغزشها و نواقص و گناهان او را که از چشم دیگران پوشیده و پنهان است، میان مردم افشا و آشکار نماید. بدیهی است که مقدمه و لازمه ی خصلت عیب جویی، تلاش برای ورود و تعرض به حریم خصوصی دیگران با هدف کسب اطلاع از عیوب و کاستی های آنان است.

یکی از مکارم اخلاقی در تعالیم دین اسلام ، صفت عیب پوشی از دیگران است. اهمیت این خصلت نیکو تا بدان حد است که پیامبر اسلام (ص) فرمود: (هر که از برادر خویش کار ناپسند و زشتی مشاهده کند و آنرا پوشیده نگهدارد، خداوند در دنیا و آخرت عیب پوش او می باشد).

همچنین پیامبر اکرم (ص) در بیان اهمیت این

ویژگی، آنرا با ارزش حیات یک انسان، که والاترین سرمایه بشر است، چنین مقایسه فرموده: (هر کس زشت کاری مؤمن را بپوشاند، چنانست که دختر زنده بگور شده ای را نجات داده است). میزان الحکمه- ج- ۹- صفحه ۴۲۲

حفظ آبروی یک انسان با پوشاندن و عدم افشای عیوب او از دیگران، از منظر اسلام نشانه ی جوانمردی پوشاننده ی عیب است.

در روایتی آمده است که روزی پیامبر اسلام (ص) از حضرت علی (ع) سوال فرمود: (اگر مردی را روی زن بدکاره ای مشاهده کردی، چه می کنی؟ علی (ع) عرض کرد: او را می پوشانم. پیامبر اسلام (ص) فرمود: اگر دوباره دیدی چه می کنی؟ عرض کرد: تا سه بار از ردایم و ازارم او را می پوشانم).

آنگاه پیامبر اسلام (ص) جوانمردی علی (ع) را ستود و فرمود: (برای برادران خویش عیب پوشی کنید).

درجه اهمیت عیب پوشی تا بدان حد است که علاوه بر دنیا، حتی در قیامت نیز مورد توجه میباشد

و در برخی روایات چنین آمده است که در روز قیامت پیامبر اسلام (ص) از خداوند می خواهد که حسابرسی امت او از منظر فرشتگان و پیامبران امتهای دیگر دور بماند تا عیب مسلمانان آشکار و علنی نشود و آبروی آنها محفوظ بماند، خداوند نیز در خواست پیامبرش را اجابت می کند.

یکی از رذایل اخلاقی ، که در شریعت اسلام به عنوان زشت ترین گناهان عنوان گرفته است، عیب جویی است.

قرآن کریم در آیات متعددی انسان ها را از این خصلت ناپسند بر حذر می دارد.

عیب جویان در قرآن کریم چنین مورد خطاب قرار گرفته اند: (وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ).

یعنی: (وای بر هر بدگوی عیب جوی). سوره همزه

– آیه ۱

(و لا تَلْمِزُوا انفسكم...). یعنی: (عیب دیگران را به رخ

آنان نکشید). سوره حجرات آیه ۱۱

پیامبر اسلام (ص) افرادی را که برای دیگران در

جستجوی عیب و نقص می باشند، بدترین انسانها معرفی می کنند و بصراحت می فرماید: (عیب جو، ثناگو، زخم زبان زن و مجادله گر نباشید). مکارم الاخلاق-ص ۴۶۷

همچنین در تعالیم اسلامی معاشرت با افرادی که در صدد پوشاندن خوبیهای اشخاص و آشکار نمودن عیوب آنها هستند، نهی شده است. (غرر الحکم -ح ۹۵۶۵)

در حدیث معراجیه از پیامبر اسلام (ص) نقل گردیده است که فرمود: (آنگاه که به امر خداوند متعال به آسمانها عروج نمودم، گروهی از مردم را دیدم که گوشت بدن آنها را از پهلو قطع می کردند و به آنها می خوراندند و به ایشان گفته می شد که بخورید بخاطر آنکه از گوشت برادر مسلمان خویش در دنیا می خوردید. از جبرئیل پرسیدم: اینها چه کسانی هستند؟ گفت: اینها سخن چینان و عیب جویان امت تو هستند). آفات زبان-ج ۱-ص ۲۵۱

باید توجه داشت که عیب جویی تنها منجر به

آبروریزی نسبت به یک انسان نمی شود، بلکه این خصلت مذموم علاوه بر هتک آبروی صاحب عیب، از طرفی موجب ترویج فساد و فحشاء در جامعه می گردد، و از سوی دیگر موجب می گردد تا شخص عیب جو از نقاط ضعف و عیوب خویش غفلت نماید و نسبت به نواقص خود کور و بر عیوب دیگران بینا گردد.

در اغلب موارد عیب جویان برای کسب اطلاع از عیوب دیگران، مبادرت به تجسس در امور خصوصی افراد می کنند و در تجسس نیز تمرکز عیب جو بر نقاط بد و منفی امور دیگران است و هیچ توجهی به نکات مثبت و صحیح افراد ندارد.

خصلت ناپسند عیب جویی علاوه بر بیماری فردی، که منشأ آن احساس کمبود شخصیت، عدم تعادل روحی، تمایل به ثروت اندوزی و دنیاگرایی میباشد، در واقع می بایست یک بیماری اجتماعی تلقی گردد که مضاف بر آثار فردی آن در هتک حرمت آبرو و حریم خصوصی اشخاص، بعنوان مانعی جدی در

مسیر کمال و تعالی انسان در حوزه ی اجتماعی میگردد و جدا از اخلال در امنیت فردی، موجب واگرایی و تفرقه و اخلال در امنیت و تزلزل در وحدت اجتماعی می شود و سبب رواج منفی نگری و جایگزینی آن با مثبت گرایی می گردد.

قرآن کریم ضمن نهی مسلمانان از این ویژگی زشت

، ریشه های عیب جویی را چنین بیان نموده است:

- ضعف ایمان و باور به خداوند متعال (سوره حجرات - آیه ۱۱)

- نفاق و دورویی (سوره توبه - آیه ۸۰ و سوره مطفین - آیات ۳۰ و ۳۶)

- فسق و فجور (سوره توبه - آیه ۸۰)

- ظلم و ستمگری (سوره حجرات - آیه ۱۱)

- آلودگی به معصیت و گناه (سوره مطفین - آیات ۲۹ و ۳۰)

شریعت اسلام عیب جویان را مستحقّ کیفردانسته

و علاوه بر محروم نمودن آنان از مغفرت و هدایت

الهی (سوره توبه - آیه ۸۰) ، برای ایشان عذاب دردناک

در دنیا و آخرت (سوره توبه-آیه ۷۹، سوره بقره آیه ۱۶، و سوره مطففین آیات ۲۹ و ۳۶) وعده فرموده است. البته عواقب عیب جویی منحصر به جزای آخروی نیست، بلکه اثر وضعی چنین خصلت نادرستی در دنیا برای مرتکب آن رسوایی و آشکار شدن عیوب وی می باشد، چنانکه پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند: (ای کسانی که به ظاهر اسلام آورده اید ولی اسلام در قلب شما رسوخ نکرده است، در جستجوی لغزشهای مسلمانان نباشید تا آنها را رسوا سازید، زیرا کسی که در مقام پیدا کردن خطاهای مردم باشد، خدا عیوب او را آشکار سازد و وی را رسوا خواهد کرد). اصول کافی - ج ۳ ص ۳۵۵ در فرمایشی دیگر چنین فرمود: (هرکس عیب و زشتی برادر مسلمان خود را فاش کند، خداوند زشتی او را آشکار می سازد، تا جایی که او را در درون خانه اش رسوا نماید). التّریب و التّرهیب - ج ۲ ص ۲۹۳ ح ۹

بی تردید عیب جو با حسادت نسبت به دیگری و احساس

حقارت درمقابل او مرتکب این عمل مذموم و ناپسند می شود و موفقیت و ترقی دیگری را بر نمی تابد. نباید پنداشت که تأکید اسلام بر پوشاندن عیوب دیگران به مفهوم ضرورت کتمان و بی تفاوتی در قبال عیوب و زشتی های آنهاست، بلکه عیب پوشی به معنای رسوا نکردن و حفظ آبروی اشخاص و علنی نساختن عیوب آنان است و تذکر عیوب افراد به خود ایشان با شرایط خاص آن با هدف عیب زدایی از وظایف انسان هاست و کتمان عیب ها و زشتی های دیگران ، که صرفاً سبب تجرّی آن ها در جهت تداوم رفتار نادرست گردد، مانند عمل شخص زشت و ناپسند است و خیانت به آن انسان محسوب می گردد.

عیب زدایی در راستای اعمال اصل مهم «امر به معروف و نهی از منکر» یکی از ویژگی های شایسته ی انسانهای مؤمن و معتقد(و بلکه از وظایف دینی و انسانی آنها) است، که علاوه بر پاکسازی و تزکیه ی اجتماعی موجب کمال انسانها می شود.

تفاوت عیب زدایی و عیب جویی آنست که : عیب زدایی با حسن نیت و با هدف اصلاح و تزکیه ی صاحب عیب اعمال می شود، ولی در عیب جویی انگیزه ای جز تحقیر و کوچک نمودن دیگران وجود ندارد و لذا نتیجه ی آن جز هتک آبروی انسانها و اشاعه ی فحشاء و زشتی نخواهد بود.

شیوه ی عمل در عیب زدایی همواره تذکر صادقانه بصورت پنهانی، انتقاد صحیح و خصوصی با رعایت شخصیت و موقعیت فردی همراه با احترام است، حال آنکه در عیب جویی عیوب و نواقص اشخاص آشکار می شود و با انتقاد ناصحیح و علنی، شخصیت افراد مورد حمله و تجاوز قرار می گیرد و نتیجه معکوس حاصل می شود.

و آخرین نکته آنکه در عیب زدایی ، همانگونه که در مبادرت به امر به معروف و نهی از منکر شرط گردیده است، شخص ابتدا می باید از عیوب خویش آغاز کند، سپس به انتقاد مصلحانه و مشفقانه از عیوب دیگران پردازد ، چنانکه مداوای بیماری عیب

جویی آنست که انسان به عیوب خویش توجه نماید.

۵. ممنوعیت بدگمانی به دیگران

مفهوم سوء ظن آنست که انسان با بی اعتمادی به ظاهر گفتار و عمل دیگران به آنان بدگمان باشد، بدون اینکه شک و بدگمانی او متکی به دلیل یا قرینه قابل قبولی باشد که مانع اعتماد و اطمینان از ظاهر اعمال و کردار دیگران شود.

ریشه های سوء ظن به عنوان یکی از بیماریهای

مهم اخلاقی عبارتند از:

(۱) نادیده گرفتن حریم خصوصی اشخاص و

تمایل به تجسس در امور شخصی دیگران و غیبت و

(۲) بدگویی از آنان، که نا خواسته منجر به تقویت

حسن بدگمانی و بدبینی نسبت به دیگران می شود.

برخورداری بدگمان از آشفتگی و نابسامانی و عدم

تعادل روحی، که موجب ایجاد سوء ظن نسبت به

دیگران می گردد.

(۳) استیلا و سلطه شیطان بر فکر و ذهن انسان، که

نتیجه ی دوری از تقوای الهی است و موجب ایجاد

وسوسه های فکری و تقویت بُعد منفی بافی در وجود بدگمان می شود.

در آیات قرآن کریم وسیره ی نبوی و سایر بزرگان دین ، بدگمانی به دیگران به عنوان یکی از ریشه های اصلی تجسس و تفتیش در حریم خصوصی اشخاص دانسته شده و بر پرهیز و ریشه کن کردن این بیماری مهلک تاکید فراوان شده است.

قرآن کریم مؤمنان را از گمان ورزی بسیار نسبت به دیگران نهی می کند و بسیاری از گمان هاراگناه میداند و می فرماید: (یا ایّها الذین آمنوا اجتنبوا کثیراً من الظنّ إنّ بعض الظنّ اثمٌ...).

یعنی: (ای ایمان آورندگان، در حق مردم از اکثر گمانها اجتناب کنید، در حقیقت بعضی از گمانها گناه و معصیت است). سوره حجرات-آیه ۱۲

خداوند متعال بدگمانی را آفتی بزرگ و موجب تباهی جامعه دانسته است: (وظننتم ظنّ السوء و کنتم قوماً بوراً).

یعنی: (و گمان بردید، گمان بد راوقومی تباه شدید).

سوره فتح آیه ۱۲

از دیدگاه قرآن کریم ، ظن و گمان انسان را از حقیقت بی نیاز نمی سازد: (إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا). یعنی: (هرآینه گمان بی نیاز نمی کند از حق چیزی را). سوره یونس آیه ۶

پیامبر گرامی اسلام(ص) انسانها را به دوری از گمان توصیه می کند و می فرماید: (بر شما باد اجتناب از ظن، همانا ظن کذب ترین سخن هاست).

میزان الحکمه- ص ۲۹۳

بی تردید اتکا به ظن و گمان موجب اختلال در ارتباط فردی و اجتماعی اشخاص جامعه می شود و تحقیر شخصیت انسانها و تضعیف اعتماد میان افراد اجتماع را سبب می گردد و این امر با سیاست شریعت اسلام، که ارتقای اتحاد عمومی و تحکیم روابط افراد جامعه می باشد، در تناقض آشکار است. پیامبر گرامی اسلام(ص) در بیان حریم انسانها، اجتناب از بدگمانی را از دستورات الهی دانسته و فرموده است: (همانا خداوند تعالی برای جان و مال

مسلمانان از اینکه به او گمان بد برده شود، حرمت مقرر داشت). بحار الانوار - ج ۷۲ ص ۲۰۱

پیامبر گرامی اسلام (ص) سوء ظن به دیگران را موجب زوال ایمان معرفی و چنین فرمود: (هرگاه مؤمنی برادر دینی خود را متهم نماید. ایمان او آب می شود و از بین می رود، همانطور که نمک در آب حل می شود و از بین می رود).

راهکارهایی که در تعالیم والای اسلامی برای دوری از سوء ظن توصیه گردیده، عبارتند از :

(۱) سوء ظن به خویش: چنانچه مسلمان همواره به اعمال و کردار خویش بدگمان باشد و از خویشتن عیب جویی کند، هیچگاه به سوء ظن نسبت به دیگران مبتلا نمی شود، چنانکه در کلام بزرگان دین، بدگمانی و عیب جویی از نفس خویش از نشانه های مؤمنان دانسته شده است.

(۲) حُسن ظن به دیگران: حُسن اعتماد به اشخاص دیگر و خود را برتر از دیگران ندیدن و نیز حمل نمودن رفتار برادر دینی خویش به بهترین فرض و احتمال

ممکن، از دستورات دین مبین اسلام است.

براین اساس مسلمان باید تا آنجا که محملی می باید عمل و کردار برادر خویش را به بهترین نحو تعبیر نماید، مگر اینکه قرینه‌ی مخالفی بر این فرض غلبه نماید و خلاف آنرا اثبات کند.

بی شک حُسن ظن و احترام متقابل به دیگران سبب اعتماد عمومی در تحکیم روابط انسانی میشود. (۳) بی اعتنایی به سوء ظن نسبت به دیگران: با توجه نمودن به آثار سوء منفی نگری و بدگمانی، همچنین اعتماد به ظاهر گفتار و کردار دیگران تا زمانی که خلاف آن اثبات نشده است.

(۴) تفکر و تدبّر در موارد سوء ظن و بررسی موارد حمل به صحت و خوش گمانی در خصوص کردار و گفتار دیگران.

(۵) پرهیز از مصاحبت وهم نشینی با اشخاصی که مبتلا به بیماری سوء ظن نسبت به دیگران هستند. وسوسه های کسی که به بدگمانی مبتلا می باشد، سبب تحریک حسّ شیطانی سوء ظن در انسان می شود.

۶) توجه به قواعدی همچون: اصالت الصّحه و سوق المسلمین در احکام اسلامی که مبین ضرورت حمل عمل و گفتار دیگران بر وجه صحیح و نیکو، و نیز عدم سهولت در تشکیک و تردید نسبت به رفتار و گفتار دیگران است. این نیک گمانی موجب میشود تا چنانچه مرد وزنی را با یکدیگر در خلوت مشاهده کردیم، بجای تردید و بدگمانی با تکیه بر این مبانی نسبت به رابطه ی آنها حمل به صحّت نماییم.

۷) تسلّط برمجاری ادراکات : اعضا و جوارح انسان (بعنوان مجاری ادراکات او) نقش مهمی در ایجاد سوء ظن نسبت به دیگران دارند. مبادرت به هتک حریم خصوصی اشخاص ، از طریق استراق سمع، استراق بصر و سخن چینی از عوامل مهمّ ابتلا به بیماری بدگمانی است.

قرآن کریم با گوشزد نمودن مسئولیت های اعضا و جوارح اساسی انسان، او را از هرگونه برداشت که متکی به علم و آگاهی صحیح نباشد، برحذر داشته و فرموده است: (وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ، إِنَّ السَّمْعَ

و البصرَ و الفؤادَ کلّ اولئک کانَ عنهُ مسؤلًا).
 یعنی: (و پیروی نکن آنچه را نیست تو را بدان
 دانشی، همانا گوش و دیده و دل هر کدام آنهاست
 از آن پرسیده). سوره اسراء-آیه ۳۶
 ۸) عدم ایجاد زمینه ی بدگمانی: قطعاً مبادرت
 نکردن شخص به انجام اعمالی که موجب ایجاد سوء
 ظن دیگران می شود، در کاهش ابتلا ی به چنین
 بیماری دارای اهمّیت خاصی است.

۶. ممنوعیت غیبت از دیگران

«غیبت» از رذایل اخلاقی است که در شریعت
 اسلام بر ترک آن تأکید فراوان شده است.
 مفهوم غیبت در فرهنگ اسلامی آنست که انسان
 در غیاب دیگری سخنی بگوید که اگر غیبت شونده
 بر آن آگاهی یابد، از بیان آن ناخرسندوناراحت گردد.
 مؤلفه های اصلی برای تشخیص غیبت عبارتند از:
 الف- بیان موضوعی راجع به یک شخص، در غیاب وی.
 ب- مورد موضوع غیبت ممکن است صحیح و یا
 نادرست باشد.

ج- غیبت شونده نسبت به بیان آن توسط غیبت کننده، ناخوش و ناراضی باشد.

در کلام برخی بزرگان دین آمده است که: غیبت آنست که درباره ی برادرت بگویی آن چیزی را که خداوند بر او پوشانیده است.

باید توجه داشت که در تحقق غیبت، مطلع شدن غیبت شونده ملاک نیست، بلکه شرط تحقق آنست که اگر در برابر غیبت شونده بیان شود یا از آن اطلاع حاصل کند، ناراضی گردد.

مطابق فرموده ی پیامبر اسلام (ص) تفاوت «غیبت» و «بهتان» آنست که در غیبت چیزی در مورد دیگری گفته می شود که واقعیت دارد، ولی خداوند آنرا برای دیگری پوشانیده است، لیکن بهتان بیان مطلبی درباره دیگری است که واقعیت ندارد.

نباید پنداشت که غیبت منحصر به «سخن گفتن» در غیاب دیگری است، بلکه غیبت همان طور که ممکن است در قالب کلام و سخن باشد، امکان دارد در قالب فعل یا کنایه تحقق پیدا کند.

قرآن کریم بی بهره بودن از تقوا، میل به تجسس و سرکشی در امور خصوصی دیگران، بدگمانی ها و سوء ظن (سوره حجرات-آیه ۱۲) و نیز تمایل به ثروت اندوزی و علاقه ی مفرط به دنیا و مظاهر فریبنده ی آن (سوره همزه- آیات ۱ و ۲) را به عنوان ریشه ها و علل غیبت از دیگران معرفی می کند.

در تعالیم دین مبین اسلام غیبت به عنوان یکی از بزرگترین گناهان و سخیف ترین اعمال شناسایی و مسلمانان از ارتکاب آن نهی گردیده اند.

قرآن کریم مسلمانان را اینگونه از غیبت دیگران نهی می فرماید: (...وَلَا يَغْتَب بَعْضُكُم بَعْضًا اِيْحَبَّ اِحْدِكُمْ اَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ اَخِيهِ مَيْتًا فَكْرِهْتُمْوه، و اتقواالله، اِنَّ الله تَوَّابٌ رَحِيْمٌ).

یعنی: (...و غیبت نکنند بعضی از شما برخی را، آیا دوست دارد یکی از شما که گوشت برادر مرده خویش را بخورد؟ همانا ناخوش داشتند و بترسید که خداست توبه پذیر مهربان). سوره حجرات آیه ۱۲. پیامبرگرامی اسلام (ص)، به ابوذر صحابی خویش

فرمود (ای اباذرا از غیبت بر حذر باش که همانا شدیدتر از زناست). وسائل الشیعه - ج ۸ - ص ۵۵

همچنین پیامبر گرامی اسلام (ص) غیبت از دیگران را نشانه‌ی اسلام ظاهری افراد و عدم رسوخ ایمان در قلب آنان دانسته و فرموده اند: (دروغ می گوید کسی که گمان می کند حلال زاده است، در حالی که گوشت مردم را با غیبت از آنان، میخورد).

از دیدگاه قرآن کریم غیبت دیگران در واقع هتک حریم خصوصی و تعرض به عرض و آبروی غیبت شونده است، بویژه آنکه این عمل نادرست و مذموم در غیاب شخص انجام می پذیرد، بنحوی که غیبت شونده امکان و فرصت دفاع در قبال تعرض به شخصیت و حریم معنوی خویش را ندارد.

غیبت علاوه بر تخریب شخصیت انسان ها و تعرض به حریم خصوصی آنان، آثار مخربی در زندگی اجتماعی انسان ها دارد و موجب تضعیف اعتماد عمومی، که بزرگترین سرمایه و عامل بالندگی جامعه می باشد، می گردد.

همچنین بنیانهای معنوی جامعه در اثر رواج غیبت سست و ضعیف می شود و در نهایت به زوال اتحاد و سلامت جامعه می انجامد و اجتماع را دچار گسست و تفرقه می کند. لذا نهی غیبت احاد جامعه از یکدیگر، علاوه بر آنکه موجب مصونیت حریم خصوصی و شخصیت و آبروی اشخاص جامعه می گردد، در واقع ضامن سلامت و ارتقای اعتماد عمومی در سطح اجتماع می شود پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: (هر کس مرد یا زن مسلمانی را غیبت نماید، خداوند چهل شبانه روز نماز و روزه ی او را قبول نمی کند، مگر اینکه صاحب غیبت او را عفو نماید).

توجه به این نکته حائز اهمیت است که یکی از عوامل مهم ترویج غیبت در جامعه و ترغیب غیبت کننده برای ارتکاب این عمل مذموم، تمایل و رغبت شنونده برای گوش فرادادن به غیبت از دیگران است، لذا یکی از راهها ی مؤثر در کنترل پدیده ی شوم غیبت از اشخاص، مانع شدن از غیبت کردن دیگران

با تذکر زبانی به غیبت کننده، بر اساس اصل امر به معروف و نهی از منکر، و اعلام بی میلی نسبت به شنیدن غیبت، به عنوان مبارزه ی منفی با عمل غیبت کننده و یا طرد او در اجتماع و عدم مصاحبت با غیبت کنندگان است. پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: (آگاه باشید، هر کس در گوش دادن به غیبت برادران مؤمن خویش صبوری و بردباری نشان دهد و از آن مانع شود، خداوند هزار در از دربهای بدی را در دنیا و آخرت از وی بر می گرداند و اگر از آن جلوگیری نکند، در حالیکه قدرت بر رد آن دارد، هفتاد بار گناه غیبت کننده بر او خواهد بود).

در قرآن کریم برای ترک عادت ناپسند غیبت،

سه نکته ی مهم به مسلمانان توصیه گردیده است:

۱. رعایت تقوای الهی، به عنوان مهمترین عامل

بازدارنده ی انسان از همه ی گناهان، از جمله گناه

غیبت از دیگران (سوره حجرات-آیه ۱۲).

۲. توجه و معرفت نسبت به حقیقت غیبت از

اشخاص ، که در تعبیر قرآن کریم از آن به خوردن گوشت مُردار برادر خویش تعبیر گردیده است.

۳. توجّه به حضور همواره ی خداوند و علم و آگاهی کامل او نسبت به همه ی اعمال و کردار و حتی افکار انسان از جمله غیبت دیگران(سوره نساء آیه ۱۴۸).

احکام اسلامی در پاره ای موارد مبادرت به غیبت از دیگری را مجاز و بلکه لازم دانسته است و حکم حُرمت غیبت از دیگران در این موارد استثناء گردیده است.

برخی از این موارد عبارتند از:

۱. غیبت از ظالم و بیان ظلم او، آنگاه که انسان در مقام تظلم خواهی و یا داد خواهی باشد ، چنانکه پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود : (صاحب حق و آن کس که حقش ضایع گردیده ، حقّ سخن گفتن دارد ، هر چند که غیبت ضایع کننده باشد).

۲. غیبت از یک شخص گناهکار ، که با هدف اصلاح و بازگرداندن از مسیر گمراهی به راه صلاح

و رستگاری باشد، مشروط بر ضرورت آن.

۳. غیبت از شخصی که علناً مبادرت به فسق و گناه

میکند و متجاهر به فسق و بدکاری شناخته می شود.

۴. غیبت از دیگران در مقام اقامه ی شهادت در

محکمه و با هدف اقامه ی حق.

۵. غیبت دیگری با هدف استفتا و مشورت، آنگاه

که ضروری باشد.

۶. بیان چیزی که در وجود یک انسان ظاهر و علنی

است (مانند صفت شتاب زدگی) و در نظر دیگران

آشکار می باشد، غیبت از او محسوب نمی گردد.

۷. ممنوعیت هتک آبروی اشخاص

از دیدگاه شریعت اسلام ، آبروی انسان مایه ی

حیات شخصیت و هویت انسانی اوست.

انسان با ایمان نزد خداوند متعال از منزلت و

جایگاه ویژه ای برخوردار می باشد، تا آنجا که قرآن

کریم می فرماید: (إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ

آمَنُوا...). یعنی: (همانا خداوند دفاع کند از آنان که

ایمان آوردند). سوره حج-آیه ۳۸

پس چگونه یک انسان از چنان جرأت و جسارتی برخوردار است تا پرده‌ی حیثیت کسی که پروردگار یکتا مدافع اوست بدرد، رازش را فاش سازد، عییش را عیان و آشکار کند، به او تهمت بزند و آبرویش را بریزد؟

احترام به آبرو و حیثیت انسان با ایمان چنان با اهمیت است که پیامبر گرامی اسلام (ص) آنرا از احترام کعبه بالاتر می‌داند. بی‌تردید حفظ حرمت و آبروی دیگران، بعنوان یکی از آموزه‌های مهم مکتب حیات بخش اسلام، چندان مورد تأکید قرار گرفته است که پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) در خطبه‌ی حجة الوداع، که در بازگشت از واپسین سفر حج بیت الله الحرام ایراد فرمود، خطاب به انبوه مسلمانان اعلام نمود: (مردم، چنانکه این روز- ایام حج- و این شهر- مکه مکرمه- محترم است، خون و آبروی شما هم محترم است. حق ریختن خون و آبروی یکدیگر را ندارید تا آنگاه که به دیدار خداوند نایل گردید).

اهمیت آبروی انسانی که حدود و دستورات الهی را مراعات می کند، نزد خداوند تا بدانجاست که پروردگار عالمیان خطاهای چنین انسانی را حتی از ملائک خویش پنهان و پوشیده می دارد و او را نزد دیگران آبرومند می سازد.

در روایات آمده است که پیامبر گرامی اسلام (ص) از محضر پروردگار تقاضا می کند تا در روز قیامت بررسی اعمال امتش را به او واگذارد تا چنانچه ایشان لغزش و خطایی داشتند، آبرویشان نزد انبیای دیگر نریزد.

در پاسخ به پیامبر گرامی اسلام (ص) خطاب میرسد که : حسابرسی امت تو را خود بر عهده میگیرم تا اگر لغزشی داشتند، حتی تو آگاه نشوی. دین اسلام اینگونه آبروی یک انسان معتقد را ارج می نهد و برای حفظ حرمت و شخصیت انسانی، از او خطا پوشی می کند.

در تعالیم والای اسلامی دفاع از آبروی دیگران دارای ارزش ویژه ای نزد خداوند می باشد و انسانی

که برای دفاع از آبروی دیگران قیام کند ، نزد پروردگار مأجور است ، چنانکه نبی مکرم اسلام (ص) فرمود : (هر کس که از ریختن آبروی برادر مؤمنش جلوگیری کند ، خداوند چهره ی او را از آتش جهنم باز دارد) .

همچنین پیامبر گرامی اسلام (ص) فرموده اند : (هر کس در غیاب برادرش از آبروی وی دفاع کند ، بر خداست که او را از جهنم حفظ نماید).

حضرت علی (ع) جانشین پیامبر گرامی اسلام (ص) در بیان مقام و منزلت انسانی که با فدا کردن آبروی خویش، از حیثیت دیگری صیانت و پاسداری می کند، می فرماید: (مال خود را به کسی که برای تو از آبرویش گذشته است، ارزانی دار، زیرا هیچ چیز یارای برابری با بخشیدن آبرو را ندارد).

دفاع در جهت حفظ حرمت آبروی یک مسلمان تا مرز جانفشانی در شریعت اسلام جائز شمرده شده است ، چنانکه پیامبر گرامی اسلام (ص) فرموده اند : (همه چیز مسلمانان، از مال و آبرو و خونش، بر مسلمانان

دیگر حرام است ، حتّی می توان در برخی موارد از مال و جان گذشت تا آبرو و حیثیت مؤمنی حفظ شود).
توجه به این نکته حائز اهمیت است که انسان ها علاوه بر تکلیف نسبت به حفظ آبرو و حیثیت دیگران، همواره باید در جهت صیانت و پاسداری از عزّت و آبروی خویش تلاش نمایند. به بیان دیگر از دیدگاه شریعت اسلام انسانها نه تنها حق تعرّض به آبروی دیگران را دارا نیست، بلکه حق هتک آبرو و ذلیل کردن شخصیت خود را نیز ندارند و وظیفه دارند تا از هرگونه عملی و اقدامی که موجب خدشه دار شدن کرامت و ارزش انسانی آنها نزد دیگران می شود، خودداری نمایند.

حضرت علی (ع) در بیان ضرورت حفظ عزّت و آبروی خویش فرموده است: (آبروی تو بر جبین تو وابسته است، و خواهش آنرا قطره قطره می چکاند؛ پس بنگر آنرا نزد چه فردی می چکانی).

پروردگار متعال نیز برای انسان هایی که در جهت حفظ کرامات انسانی خویش کوشش نمایند ، پاداش

اخروی مقرر داشته است ، چنان که پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرماید : (به عوض چیزی که انسان آبروی خویش را بدان محفوظ دارد ، صدقه برای او می نویسند).

چنانکه پیشتر بیان شد ، آبرو و حیثیت انسان به عنوان بُعد معنوی و هویت انسانی او، جزء مهمی از حریم خصوصی اشخاص محسوب می شود و تعرض به آن از دیدگاه حقوق کیفری اسلام، در زمره ی بزرگترین گناهان و حتی بدتر از زنا با محارم خویش قلمداد می گردد و مرتکب آن علاوه بر استحقاق مجازات دنیوی، به عنوان کسی که با اهانت و هتک آبروی یک مسلمان با خدا اعلان جنگ و ستیز نموده، به عذاب دردناک الهی در قیامت وعده داده شده است.

حساسیت دین اسلام به مسئله ی رعایت حرمت آبروی انسانها بدان جهت است که مقدمه ی تعرض به آبروی دیگران، تجسس و دخالت در حوزه حریم خصوصی آنهاست که در نتیجه به انحراف شخص

متعرض می انجامد و به تعبیر برخی روایات از بزرگان دین، نزدیک ترین وضعی که بنده به کفر پیدا می کند، آنست که با فردی برادر دینی باشد، ولی لغزش های او را شماره می کند تا روزی او را بدانها سرزنش نماید.

پیامبر گرامی اسلام(ص) نیز در بیان تأثیر سوء هتک حیثیت و آبروی یک مسلمان در ایمان و باورهای شخص متعرض چنین می فرماید: (هر گاه مؤمنی برادر دینی خویش را متهم نماید، ایمان او ضایع می شود و از بین می رود، همانگونه که نمک در آب حل می شود و از بین می رود).

۸. ممنوعیت سخن چینی

از رذایل اخلاقی که نتیجه ی آن افشای اسرار اشخاص و تعرض به حریم خصوصی آنانست و پرهیز از ارتکاب آن در شریعت اسلام مورد تأکید فراوان قرار گرفته ، «نمینه» یا «سخن چینی» است. واژه ی «نمینه» به مفهوم ابراز و افشای مطلبی در مورد دیگری است که متضمن آشکار نمودن عیب یا

نقص در آن شخص باشد، بنحوی که در صورت اطلاع شخص، موجب تکذّر و کراهت وی نسبت به چیزی که در مورد او بیان گردیده، شود.

در واقع سخن چین مبادرت به بیان و نقل سخنی می کند که دیگری درباره ی شنونده بیان کرده است، حال آنکه گوینده افشای آنرا روا نمی دارد.

نمینه ممکن است از طریق بیان شفاهی و زبانی باشد و یا بصورت مکتوب و یا حتّی شیوه های دیگری از قبیل ایما و اشاره.

همچنین تفاوتی ندارد که نمینه با چه نیت و هدفی صورت گیرد، خواه با هدف تخریب شخصیت فردی که قربانی افشاگری گردیده است، یا به قصد تفریح یا خوش خدمتی نسبت به شنونده، یا خبرچینی برای دیگری و یا حتّی با حس کنجکاوی نابجا در امور دیگری باشد.

پیامبرگرامی اسلام (ص) سخن چینان را بدترین مردم معرفی فرموده است و تأکید می فرمایند که: (سخن چین به بهشت داخل نخواهد شد). الترغیب -

ج ۳ ص ۴۹۶-صحیح مُسلم-ج ۱-ص ۱۰۱

از نظر قرآن کریم عمل نَمَام و سخن چینی آنست که آنچه را خداوند امر به پیوند آن نموده است، قطع میکنند: (و يَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ، اولئك لهم اللّٰعنة و لهم سوء الدار).

یعنی: (و آنان که می برند آنچه را خداوند امر به پیوند آن فرموده و تبهکاری می کنند در زمین، آنان راست لعنت و بر ایشان است بدی آن سرای). سوره

رعد-آیه ۲۵

اثر عمل سخن چینی آنست که الفت و محبتی که در بین انسانهاست به نفرت و دشمنی مبدل می شود و اتحاد و انسجام مردم در اجتماع را به تفرقه و گسستگی تبدیل می سازد.

درفرمایشات بزرگان دین اسلام از سخن چینی به عنوان بزرگترین سحر تعبیر شده است که بواسطه آن جدایی دوستان و خویشاوندان، افشاندن بذر دشمنی و نفاق بین انسانهایی که با یکدیگر یکرنگ و متحد بوده اند و نیز ریختن خونها، ویرانی آشیانه ها

و کشف پرده ها و اسرار اشخاص را موجب می شود.
از این رو پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) فرمود:
(آنکس که سخن چینی بین مردم را پیشه سازد،
خداوند متعال بر قبر او آتش سوزانی مسلط خواهد
ساخت). وسائل الشیعه-ج ۱۱ ص ۲۰۳
در واقع علت اصلی آنکه شریعت اسلام سخن
چینی را حرام دانسته و از گناهان کبیره محسوب
نموده است و نَمَام را به عذاب الهی وعده فرموده،
اثرات مخرب و غیر قابل برگشت عمل اوست.
از پیامبر اکرم (ص) نقل گردیده است که فرمودند:
(دیدم بر درب بهشت حک شده بود که تو به سخن
چین حرام هستی). ارشاد القلوب- ح ۱۳۹۱
در تعالیم اسلامی برای مقابله با این پدیده شوم و
مخرب تأکید گردیده است که مسلمانان به آنچه
سخن چین نقل می کند، بی اعتنایی کنند و گفتار
آنرا چه درست باشد یا باطل، دروغ بیندارند، تا از
طریق مقابله ی منفی با این عمل زشت، سخن چینان
از چنین اقدامی منصرف گردند.

قرآن کریم پیروی از سخن چینان را اینگونه نهی فرموده است: (وَلَا تُطْعِ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ هَمَّا زِمَّاءِ بِنَمِيمٍ).

یعنی: (و هر سوگند خواه- بدروغ- را فرمان میر که عیب جو و رونده به سخن چینی است). سوره ی قلم آیه ۱۱

سیره ی پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز چنین بود، از ایشان نقل شده است که فرمود: (نباید کسی از اصحاب من از دیگری چیزی به من برساند، که من دوست دارم بسوی شما بیرون آیم، و سینه ام سالم از گفتار این و آن باشد). ریاض الصالحین - ص ۵۸۵

همچنین در مناهی رسول اکرم (ص) آمده است که حضرت مسلمانان را از سخن چینی و گوش دادن به آن نهی می فرمود. سفینة البحار - ج ۲ ص ۶۱۳

۹. ممنوعیت استراق سمع

«استراق» از مصدر "سرق" و در مفهوم لغوی به معنای "دزدیدن" است و در اصطلاح به "دزدیده انجام دادن کاری" اطلاق می شود.

مفهوم «استراق سمع» نیز " گوش دادن به سخن دیگری بصورت پنهانی" است و شامل استماع غیر قانونی و مخفیانه ی مکالمات اشخاص یا کنترل آن با استفاده از ابزار و وسایلی همچون ضبط ، تجهیزات شنود مکالمات تلفنی یا محیطی می باشد.

شیوه های امروزی استراق سمع عبارتند از: بکارگیری فناوریها و استماع مکالمات از طریق تلفن های ثابت و سیار، بیسیم، رایانه، ماهواره، شبکه اینترنت و سایر ابزار پیشرفته.

استراق سمع از دیدگاه شریعت اسلام ممنوع و حرام است و شخصی که مبادرت به کنترل مخفیانه مکالمات اشخاص نماید ، و از این طریق از اسرار آنان آگاهی حاصل کند ، مرتکب تجسس در حریم خصوصی دیگران گردیده و مطابق نص صریح قرآن کریم، عمل او حرام و گناه است. (سوره حجرات-آیه ۱۲)
قرآن کریم در بیان مسئولیت اعضای بدن انسان می فرماید: (...إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ كُلَّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا).

یعنی: (همانا گوش و دیده و دل هر کدام آنهاست آن
پرسیده).سوره اسراء- آیه ۳۶

در تعبیر پیامبر اکرم (ص) از استراق سمع آمده
است که : (برای هر عضوی از اعضای بدن آدمی
سهمی از زناست، و زنای گوش انسان شنیدن سخن
مخفیانه است).

دراحكام اسلامی علاوه بر اینکه در دنیا برای
مرتکب استراق سمع مجازات تأدیبی منظور گردیده
، در روز قیامت نیز کیفر آخروی منظور شده است،
چنانکه پیامبر اکرم (ص) فرمود: (هر کس به سخنان
دیگران بطور مخفیانه و پنهانی گوش فرا دهد در
حالیکه آنان دوست ندارند، یا اگر کسی سخنان آنان
را بشنود از او فرار می کنند و بیزار می شوند، با این
عمل در روز قیامت به عنوان مجازات در گوش او
مس گذاخته فرو میریزند). سجستانی- ج ۲ ص ۸۸۳

۱۰. ممنوعیت استراق بصر

«استراق بصر» به مفهوم نگاه غیرمجاز و پنهانی است
به هر آنچه در قلمروی حریم خصوصی اشخاص قرار

می گیرد و صاحب حریم رضایت و تمایلی به نظاره دیگری بآن ندارد و بهمین دلیل آنرا بصورت علنی و آشکار در معرض نگاه دیگران قرار نداده است؛ چه آنکه آن امر نوعاً از موارد مربوط به حریم شخصی افراد تلقی و محسوب گردد، یا اینکه شخص آنرا در حریم خصوصی خویش قرار داده باشد.

در احکام شریعت اسلام استراق بصر به عنوان عملی مذموم و یکی از گناهان بزرگ دانسته شده و مسلمانان از انحراف چشم و نگاه دزدانه به حریم شخصی افراد منع گردیده اند و مرتکب آن مستحق مجازات دانسته شده است.

قرآن کریم خیانت چشم را مورد نکوهش قرار داده و فرموده است: (يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُور). یعنی: (خدا میداند خیانت دیدگان را و آنچه نهان دارند در سینه ها). سوره فاطر- آیه ۱۹

بی تردید یکی از اشکال و مصادیق بارز خیانت چشم، استراق بصر و نگاه بدون اجازه به حریم خصوصی اشخاص است.

همچنین قرآن کریم مسلمانان را به مراقبت و کنترل چشم و نگاه خویش امر فرموده است: (قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكُمْ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ. وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...).

یعنی: (به مؤمنان بگو پوشند دیدگاه خود را و نگاه دارند فرجهای خود را، آن پاکتر است برای ایشان، همانا خداوند آگاه است بدانچه می سازند. و بگو زنان مؤمنه فرو پوشند دیدگان خود را و نگهدارند فرجهای خود را...). سوره نور- آیات ۳۰ و ۳۱

پیامبر اکرم (ص) انحراف بصر را نوعی زنا دانسته و می فرماید: (برای هر عضو آدمی سهمی از زناست، و زنا چشم نگاه کردن است).

اهمیت و نقش مهم نگاه کردن در سلامت معنوی انسان تابدان حد است که امیرمؤمنان علی (ع) چشم ها را کمینگاه های شیطان معرفی کرده، که افسارگسیختگی آن زمینه ساز انحراف انسان و تسلط شیطان را بر او فراهم می آورد.

پیامبر اکرم (ص) در خصوص نگاه کردن دزدانه و بی اجازه به مکاتبات اشخاص فرموده است: (هر کس به نامه برادر دینی خود نگاه کند، مانند اینست که به عورت خویش نظر افکنده است). سفینه البحار

باعنایت به اهمیتی که شریعت اسلام برای حفظ حریم شخصی دیگران قائل است، ضرورت دارد انسان با تلاش نسبت به شناسایی عوامل باز دارنده ی این بیماری و انحراف اخلاقی و معنوی، اقدام نماید و در جهت از بین بردن مقلّمات و زمینه های ابتلای بآن بکوشد؛ به عنوان نمونه: رعایت مسئله ی استیذان از صاحب خانه یا خلوت گاه قبل از ورود به حریم خلوت دیگری، یکی از عوامل باز دارنده برای استراق بصر در حریم خصوصی اشخاص محسوب می شود.

۱۱. ممنوعیت ناسزاگویی و دشنام

«سب» به مفهوم دشنام دادن و ناسزاگفتن به دیگری است که در شریعت اسلام، نه تنها در میان مسلمانان، بلکه حتی نسبت به غیر مسلمانان نیز مورد نهی صریح

قرار گرفته است.

قرآن کریم در نهی از دشنام نسبت به غیر مسلمانان دگر اندیش می فرماید: (وَلَا تَسِبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسِبُّوا اللَّهَ عَدُوًّا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَلَيْهِمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ).

یعنی: (و دشنام ندهید آنانرا که جز خدا می خوانند، تا دشنام دهند خدا را ستمگرانه بنادانی ، بدینگونه آراستیم برای هر گروهی کردار ایشان را ، سپس بسوی پروردگاریشان است بازگشتشان، تا آگهی شان دهد بدانچه بودند می کردند).سوره انعام- آیه ۱۰۸

پیامبر اکرم (ص) سب و دشنام را نافرمانی و فسق دانسته و می فرماید : (ناسزا گفتن به مؤمن نافرمانی است، و جنگیدن با او کفر و خوردن گوشت او- غیبت کردن از مسلمانان- معصیت خداست، و احترام مال مؤمن همانند احترام خون اوست). شیخ حر عاملی -وسائل الشیعه

آنگاه که انسان مطلبی را راجع به دیگری بیان کند ،

بگونه ای که شنیدن آن توسط صاحب موضوع موجب تکذّر خاطر و ناراحتی او گردد، بیان کننده چنانچه قصد توهین به وی را نداشته باشد، مرتکب غیبت گردیده است، ولی در صورتیکه هدف گوینده توهین و ناسزا به شخص غیبت شونده باشد، علاوه بر گناه غیبت مرتکب سب و دشنام نسبت به او گردیده و گناهکار دانسته می شود.

چنانکه پیشتر بیان شد، حرمت آبروی انسان از دیدگاه اسلام، مساوی با حرمت جان و حیات اوست، و ناسزاگویی به انسان تجاوز به حریم آبرو و حیثیت او محسوب می شود و از مصادیق بارز تعرض به حریم خصوصی اشخاص قلمداد میگردد. گناه ناسزاگویی به دیگران چنان مذموم دانسته شده است که در روایات آنرا موجب هلاکت دشنام گو معرفی نموده اند، چنانکه پیامبر اکرم (ص) فرمود: (ناسزاگویی به مؤمن، انسان را در آستانه تباهی و هلاکت قرار میدهد) شیخ حرّ عاملی - وسائل الشیعه همچنین دشنام و ناسزاگویی آثار سوء جبران ناپذیری

برای دشنام دهنده دارد، که از جمله ایجاد دشمنی و تفرقه بین انسانهاست، پیامبر اکرم (ص) می فرماید: (به مردم دشنام نگوئید، که از آنان عداوت و دشمنی خواهید دید).

قرآن کریم نیز تصریح می فرماید که دشنام به دیگران سبب می شود تا آنان نیز از جهالت و نادانی به اعتقادات دشنام دهنده، ناسزا بگویند.

درسیره نبوی آمده است که رسول گرامی اسلام (ص) هیچگاه دشنام دهنده و ناسزاگو نبوده اند، و این امر اختصاصی به مسلمانان ندارد بلکه آن حضرت حتی به غیرمسلمانان نیز ناسزا نمی گفته اند.

حریم خصوصی خانواده در اسلام

یکی از مصادیق مهم حریم خصوصی اشخاص ، حریم خانوادگی آنهاست.

حریم خانواده مشتمل بر دو جزء است: جزء نخست آن ممنوعیت ورود و دخالت اغیار در حریم خصوصی یک خانواده است، و جزء دوم مربوط به حق حریم خصوصی هر یک از اعضای خانواده(اعم از والدین، زوجین و فرزندان) در مقابل یکدیگر میباشد. در خصوص ممنوعیت دخالت دیگران در حریم خانوادگی اشخاص، تردیدی وجود ندارد، زیرا در شریعت اسلام برای کانون خانواده هویت مستقلی در نظر گرفته شده است، که بر اساس آن هرگونه مداخله و حضور از حقوق اعضای خانواده قلمداد می گردد، و برای غیر اعضاء حق و اجازه ای برای تعرض به این حریم مقدس و مستقل در نظر گرفته نشده است.

آنچه امروزه به عنوان چالشی جدی پیش روی جوامع مختلف قرار گرفته است، مسئله حریم خصوصی

اعضای یک خانواده در قبال یکدیگر است. بدون تردید همه ی انسانها در طول زندگی خویش به لحظاتی نیازمندند تا به دور از حضور دیگران، حتی نزدیکان خویش، در خلوت و تنهایی به امور شخصی خود بیاندهند و هیچکس حریم خصوصی و خلوت آنها را برهم نزند. این حق در حوزه ی حریم خصوصی خانواده نیز برای همه ی اعضای خانواده وجود دارد.

در شریعت اسلام حقوق اعضای خانواده در مقابل یکدیگر مشخص گردیده و برای هر یک حریم مشخصی تعریف شده است.

در کانون خانواده، والدین از حریم اختصاصی خویش برخوردارند و فرزندان مکلفند حریم شخصی والدین خود را مراعات نمایند.

قرآن کریم با تاکید بر حق خلوت والدین، بدون حضور فرزندان، ضمن تعیین اوقات مشخص آن، ورود فرزندان به این حریم را مستلزم کسب اجازه از والدین می داند و چنین می فرماید:

(أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَيْسَتْ أذْنُكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَ الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِّنَ الظَّهْرِ وَ مِّن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَ لَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَ هُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ. وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَتِهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ).

یعنی: (ای کسانی که ایمان آورده‌اید - بدانید که - بندگان ملکی شما و اطفال شما که هنوز به وقت احتلام و زمان بلوغ نرسیده‌اند باید - شبانه روزی - سه مرتبه از شما اجازه ورود بخواهند: یک بار پیش از نماز صبح و دیگر هنگام ظهر که جامه‌ها را از تن برمی‌گیرید و دیگر پس از نماز خفتن، که این سه وقت هنگام عورت و خلوت شماست - اکثر برهنه یا در لباس کوتاهید - و بعد از این سه بار اجازه، دیگر باکی بر شما و آنها نیست که - بی‌دستور - با بندگان و

اطفال خود گرد یکدیگر جمع شوید و هر ساعت در کارها به شما مراجعه کنند.

خدا آیات را بر شما چنین روشن بیان می‌کند، و خدا -به کار بندگان- دانا و -به مصالح خلق- آگاه است و آن گاه که اطفال شما به حد بلوغ و احتلام رسیدند، باید مانند سایر بالغان -البته همه وقت- با اجازه وارد شوند. خدا آیات خود را برای شما بدین روشنی بیان می‌کند، و خدا -به صلاح بندگان- دانا و -در وضع تکلیف- محکم کار است. (سوره نور آیات ۵۸ و ۵۹).

بیان آداب ورود فرزندان به حریم خلوت والدین مؤید آنست که اسلام برای حریم اعضای خانواده نیز اهمیت خاصی قایل است، و بویژه در خصوص رعایت حریم جنسی والدین تأکید فراوان دارد.

در روایت آمده است که شخصی از رسول خدا (ص) پرسید: (آیا ورود به محل خلوت مادر نیاز به کسب اجازه دارد؟ حضرت فرمود: بلی. عرض شد که مادر خادمی جزم نداد، آیا برای هر ورود نیازه

اذن مادر است؟

پیامبر(ص) فرمودند: بلی، آیا میل داری که او را
لخت و برهنه ببینی؟ عرض کرد: خیر. فرمود: پس
برای هر ورود به حریم او اجازه بخواه. جواهر

کلام-ج ۲۶ ص ۲۲ بنقل از مجمع البیان

تحقق اصل عفاف در حریم خانواده و تربیت
صحیح فرزندان، مستلزم رعایت حریم جنسی والدین
است، و عدم توجه به خلوت جنسی والدین عواقب
جبران ناپذیری در سلامت و عفاف خانواده بدنبال
دارد، که بلوغ زود رس و نابهنگام فرزندان و عدم
تعادل جنسی پس از بلوغ و در سنین جوانی یکی از
آثار سوء آن است.

مسئله ستر عورت که در احکام اسلامی مورد
تأکید بسیار قرار گرفته است و رؤیت آن توسط سایر
اعضای خانواده ممنوع گردیده است، در راستای
اصل عفاف خانواده از اهمیت خاصی برخوردار
است و جزئی از حریم خصوصی جسمانی اعضای
یک خانواده تلقی می گردد.

جداسازی بستر و محل خواب والدین از دیگر اعضای خانواده، صرفنظر از سن آنها، با هدف عدم وقوف آنها بر خلوت جنسی والدین، به عنوان یکی از اصول حریم خلوت جنسی می بایست مورد توجه قرارگیرد.

پیامبر اسلام (ص) فرمود: (به خدا سوگند چنانچه مردی با همسر خویش بیامیزد و در آن اطاق طفل بیدار آن دو را در حال آمیزش مشاهده کند و یا کلامی یا صدای تنفس ایشان را بشنود، آن کودک هرگز رستگار نخواهد شد و چه بسا به گناه زنا آلوده می شود). تحریر الوسیله - ج ۱

علاوه بر ضرورت مجزاً نمودن بستر والدین از سایر اعضای خانواده، از دیدگاه شریعت اسلامی جدا کردن بستر فرزندان، با هدف جلوگیری از درگیری نابهنگام فرزندان در امور جنسی، نیز از اهمیت خاصی برخوردار است.

در روایات متعددی از پیامبر اکرم (ص) به این ضرورت تأکید شده است.

پیامبر اکرم (ص) در این زمینه فرموده اند: (بسترِ خواب پسر بچه با پسر بچه، و پسر بچه با دختر بچه ، و دختر بچه با دختر بچه ، در سن ده سالگی باید از هم جدا شود) ؛ و در برخی روایات این اقدام میبایست از سنین پایین تر انجام پذیرد. وسائل الشیعه ج ۵ ص ۲۸

یکی از مصادیق حریم خصوصی اعضای خانواده، حریم بین زوجین است.

برخی به اشتباه تصور می کنند که بدلیل وجود روابط ویژه ی جنسی و عاطفی نزدیک بین زن و شوهر در زندگی مشترک و وقوف انحصاری آنها از امور یکدیگر، هیچگونه حریم خصوصی بین آنها ضرورت ندارد و وجود این حریم موجب ایجاد فاصله و اخلال در تعهد زوجین به زندگی مشترک می شود؛ حال آنکه باید توجه داشت که انسان بلحاظ ذاتی موجودی آزاد و مستقل است و غلقه ی زوجیت هیچگاه نباید به مفهوم جدایی انسان از ذات خویش تلقی شود، بلکه زوجین می بایست در زندگی مشترک خویش برای حق ابراز عقیده ی یکدیگر احترام قائل

شوند و هیچ یک دیگری را از این حق مسلم و مشارکت در تصمیم گیریها، بویژه در اموری که به او مربوط می شود، محروم نسازد.

بی تردید عدم توجه و بی اعتنایی زوجین به احساسات و افکار همسر خویش و خدشه وارد کردن به حریم خصوصی یکدیگر، یکی از علل و موجبات بروز چالش ها و مشکلات زندگی زناشویی محسوب میشود.

یکی از توصیه های مؤکد اسلام به همه ی انسانها آنست که در خلوت خویش به تفکر و تدبیر پردازند و در تنهایی خود و بدور از حضور دیگران با محاسبه و واکاوی افعال و احوال خویش، به نقاط ضعف و قوت خود واقف گردند و با اصلاح عملکرد خویش در جهت کمال و پیشرفت قدم بردارند.

یکی از آموزه های دین اسلام، جلب رضایت همسر و شناخت زوجین از ابعاد شخصیتی و نیازهای یکدیگر و نیز تلاش برای درک متقابل همدیگر است.

البته رعایت اصل اعتدال، به مفهوم خودداری از هر گونه افراط و تفریط در این امر و توجه به اصل بقای کانون خانواده و لزوم تحکیم و تشدید مبانی آن، ضروری و حتمی است و حفظ حریم خصوصی اعضای خانواده نباید سبب کاستن از حسن مسئولیت پذیری آنان در قبال یکدیگر، و در مقابل کانون خانواده و نیز مانع ایفای نقش و وظایف مقرر برای هر عضو خانواده گردد و مبانی خانواده را سست و متزلزل سازد.

وظیفه دولت اسلامی در حفظ حریم خصوصی اشخاص

یکی از وظایف مهم دولت اسلامی برقراری نظم و ایجاد امنیت فردی و اجتماعی است، به نحوی که آحاد جامعه اسلامی بدور از ترس و نگرانی و یا احساس امنیت کافی زندگی کنند.

حمایت از حریم و خلوت خصوصی اشخاص (اعم از حریم مسکن، خانواده، محل فعالیت و کار، اموال و ارتباطات و معاونت از تعرض و مداخله خود سرانه دیگران) تکلیف دولت است؛ بر این اساس دولت اسلامی می بایست سازوکارهای حمایتی لازم را برای صیانت از این حریم تدبیر نماید. تجاوز به حریم خصوصی اشخاص گاه ناشی از مداخله افراد دیگر است، و گاه نتیجه تعرض کارگزاران حکومتی، و در برخی موارد بازخورد سیاست های دولت، که منجر به نقض خلوت شخصی شهروندان می گردد.

همچنین ممکن است پیشرفت فناوری ها و علوم

گوناگون، بویژه در حوزه ی ارتباطات و اطلاعات، موجب تسهیل در تعرض و دخالت در حریم خصوصی افراد جامعه گردد و خلوت شخصی انسانها را در معرض دسترسی غیر مجاز دیگران قرار دهد.

بی تردید احساس نا امنی جسمی و روانی، اضطراب و دلهره، سوء ظن و بدبینی ناشی از تهدید زندگی فردی و اجتماعی اشخاص، مهمترین مانع بالندگی و تعالی حیات بشر محسوب می گردد، و وظیفه ی دولت اسلامی آنست که علاوه بر حمایت مؤثر و کافی از حریم خصوصی اشخاص، از طریق تعبیه ی ساز و کارها و ابزارهای قانونی لازم، حریم خلوت آنان را از اقدامات خودسرانه ی کارگزاران دولتی، که ممکن است با سوء استفاده از قدرت و منصب خویش مرتکب تعرض و تجاوز به اشخاص گردند، مصون بدارد و باتعیین دقیق و روشن حدود مداخله ی قانونی مجاز دولت در حریم شخصی افراد، از هر گونه سلب حقوق طبیعی آحاد جامعه ممانعت بعمل آورد، و نیاز شهروندان حکومت

اسلامی به امنیت جسمی، روحی و روانی را تامین کند.

حضرت علی (ع) در عهد نامه ای که هنگام اعزام مالک اشتر برای فرمانروایی سرزمین مصر، بعنوان منشور حکومت به وی ابلاغ فرمودند، بر دقت نظر حاکم برای تعیین کارگزاران و عوامل حکومتی، از نظر وفاداری، صداقت و درستکاری تأکید نموده اند و گماردن بازرسانی که بطور نامحسوس و پنهانی بر اعمال ایشان نظارت نمایند را ضروری دانسته اند، تا آنان از حدود اختیارات مقرر تجاوز نکنند و با رعایت امانت و اصول اخلاقی، از هر گونه تعدی به حقوق دیگران و حریم خصوصی اشخاص بر حذر باشند. (نهج البلاغه - نامه ها - نامه ۳۱)

اعلامیه ی حقوق بشر اسلامی نیز به وظیفه ی دولت اسلامی در حمایت از حقوق خصوصی اشخاص چنین اشاره می کند: (هر انسانی حق استقلال در شئون زندگی خاص خود در مسکن و خانواده و ارتباطات و مال خود دارد، و هیچگونه تفتیش

و تحت نظر قرار دادن و تباه ساختن آبروی انسان
جائز نیست، و بر دولت و جامعه واجب است
حمایت از هراسانی در مقابل دخالت زور گویانه در
زندگی او، ضمن مراعات احکام شرعی). بند ج-
ماده ۹ اعلامیه بدیهی است که در اعمال حمایت
دولت اسلامی، علاوه بر ابزارهای تشویقی و
پیشگیرانه (از قبیل امر به معروف و نهی از منکر)، با
توسل به اعمال قدرت از طریق وضع قوانین جزائی
بمنظور برخورد با تعرض به حریم خصوصی
اشخاص بهره خواهد گرفت.

نباید فراموش کرد که اقدامات دولت اسلامی
در جهت صیانت از حریم خصوصی افراد، علاوه بر
مراعات حقوق فردی آنان، ایجاد امنیت در حوزه ی
اجتماع و امور عامه را سبب می شود و به سلامت
روانی جامعه تحکیم و ثبات می بخشد.

نقض مشروع حریم خصوصی

همانطور که قبلاً بطور مشروح بیان شد، رعایت حریم خصوصی اشخاص و منع تعرض به آن، بعنوان حق مسلم و انکار ناپذیر هر فرد و یکی از مهم ترین وظایف آحاد افراد جامعه و دولتهاست؛ لیکن این اصل کلی استثنا ناپذیر نیست، بلکه در موارد مشخصی مداخله در این حریم مجاز دانسته می شود که بدلیل استثنایی بودن، این موارد محدود و مضیق است و نمی بایست از این استثنائات بعنوان بهانه ای برای توسعه و تداوم نقض حریم خصوصی بهره گیری نمود، تاجایی که موجب خدشه دار شدن به اصل لزوم رعایت حریم خصوصی اشخاص گردد. مواردی که مداخله در حریم خصوصی دیگران مجاز دانسته شده است، عبارتند از:

(۱) تراحم با حقوق و مصالح عامه : آنگاه که حریم خصوصی و حقوق عمومی در تعارض بایکدیگر باشند، تردیدی وجود ندارد که بدلیل ارجحیت مصالح اجتماع ، حقوق عامه بر حریم خصوصی اشخاص مقدم

دانسته می شود.

این تصور که بتوان مرز بین حریم خصوصی و حریم عمومی را چنان متمایز گردانید که این دو هیچ تأثیری بر یکدیگر نداشته باشند، نادرست و غیر واقعی است، بلکه گاهی آنچه اشخاص در حریم خصوصی خویش بدان مبادرت می نمایند، در عین دارا بودن ویژگی فردی و خصوصی، از جنبه ی عمومی نیز برخوردار است و به مصالح ملی و امنیتی و یا ارزشها و هویت فرهنگی جامعه مرتبط می باشد؛ مانند آنکه اشخاص در زمان جنگ و دفاع از کیان کشور، در حریم شخصی خویش، آگاهانه یا ناخواسته، مبادرت به جاسوسی بنفع دشمنان نمایند، یا اینکه در خلوت خویش اقدامات سازمان یافته ای را انجام دهند که موجب تهدید امنیت ملی جامعه گردد، در اینصورت حکومت حسب وظایف ذاتی خویش در جهت حفظ و پاسداری از منافع و مصالح عامه، اجازه دارد تا با مداخله و تجسس در حریم خصوصی اینگونه اشخاص، از خدشه وارد شدن به مصالح اجتماع

ممانعت بعمل آورد و به وظایف خویش در حفظ امنیت جامعه عمل نماید.

۲. تزامم با حقوق دیگران: باید توجه داشت که اقتضای زندگی جمعی آنست که گاه اعمال حقوق فردی اشخاص، که در محدوده حریم خصوصی آنان می باشد، موجب بروز تزامم در حقوق دیگران می شود و برای تدارک دلایل متقن در جهت اثبات و احراز این تزامم و یا ممانعت از تداوم آن، که موجب تضییع حقوق دیگران می گردد، ضرورت دارد تا در حریم خصوصی شخص مداخله صورت پذیرد. این تعرض و مداخله که می بایست در چارچوب قانون و با استیذان مقامات ذیصلاح صورت پذیرد، بعنوان یک ضرورت اجتماعی و مطابق اصل کلی عدم تبعیض و برتری نابجای حقوق اشخاص نسبت به یکدیگر، موجه و معقول است.

۳) امر به معروف و نهی از منکر: چنانچه پیشتر بیان شد، گاه اثر و اقدام یک شخص از محدوده حوزه خصوصی و حریم شخصی او فراتر می رود و تأثیراتی

در جامعه و یانسبت به حقوق دیگران بجای میگذارد، که این تأثیرات و نتایج سوء آنها بعضاً با موازین اعتقادی و یا عرفی جامعه در تعارض است و بی توجهی نسبت به آنها عواقب سوء و گاه جبران ناپذیری را در جامعه موجب می گردد.

باید توجه داشت که این امر مختص جوامع اسلامی نیست، بلکه در همه ی جوامع ممکن است اقدامات فردی اشخاص (اعم از کردار و گفتار آنها) که بدان مبادرت می نمایند، از محدوده حریم شخصی آنان فراتر رود و اثرات مثبت و منفی بر حفظ و گسترش ارزش های فرهنگی و اخلاقی جامعه ی خویش داشته باشد. این اقدام در مثال بسان سرنشینان یک کشتی هستند که بدلیل مبادرت یکی از سرنشینان به سوراخ کردن کشتی، همه در معرض غرق شدن قرار می گیرند. در چنین مواردی مطابق اصل امر به معروف و نهی از منکر، با همه ی شرایط و مقتضیاتش، بعنوان اصل نظارت عمومی و همگانی برای جلوگیری از این پدیده نادرست باید اقدام نمود.

بدیهی است این عکس العملی که برای مصلحتی برتر و با هدف ممانعت از تعرض به حقوق جامعه انجام می پذیرد، بعنوان مداخله‌ی نا موجه در حریم خصوصی یک مسلمان تلقی نمی شود، هر چند برای کشف ریشه‌ها و ابعاد آن، حسب ضرورت باید به تجسس در امور شخصی متوسل شد، یا بعنوان مثال برای مقابله با آن مرتکب غیبت از دیگران گردید.

باید توجه داشت که دخالت در حریم خصوصی در خلوت دیگران به دلایل فوق مشروط به موارد ذیل است:

الف - نخست آنکه ایجاد محدودیت در حریم خلوت دیگری حسب ضرورت و بمنظور ممانعت از اخلال در نظم عمومی اجتماع، صیانت از ارزشهای اساسی جامعه و پاسداری از موازین اخلاقی اجتماع صورت پذیرد.

ب - شرط مهم دیگر اینکه بلحاظ استثنایی بودن امکان مداخله در حریم خصوصی دیگران، امکان حراست از نظم عمومی و ارزشهای اخلاقی و اجتماعی

باتوسل به راهکارها و ابزارهای دیگر ممکن نباشد ،
و نیل به این مقاصد تنها با ایجاد محدودیت در
حریم خصوصی شخص عملی باشد.

ج - چنانچه مداخله در حریم شخصی دیگری
بمنظور اجرای اصل امر به معروف و نهی از منکر
باشد، لازم است همه ی شرایط مقرر برای اعمال این
اصل موردتوجه قرار گیرد، بویژه آنکه امکان مداخله
در حریم خصوصی افراد در مواردی مجاز است که
با هدف جلوگیری از وقوع آشکار و علنی منکر
صورت پذیرد ، و الا تجسس و کنکاش در حریم
خلوت اشخاص برای کشف منکر، از وجاهت
شرعی و قانونی برخوردار نمی باشد.

د - استثنایی بودن دخالت در حریم خصوصی
اشخاص اقتضا دارد که مداخله به حداقل لازم
صورت پذیرد ، و از موارد فوق به عنوان بهانه ای
برای تجسس وسیع و غیر ضرور در زندگی شخصی
افراد بهره گیری نشود، در غیر این صورت چه بسا تجسس

و دخالت نابجا و بیش از حد لازم در امور شخصی دیگران، که موجب هتک آبروی یک انسان می شود، خود منکر و گناه باشد.

برای رفع هرگونه شبهه درخصوص مداخلات غیرضروری بیش از حد در حوزه ی خصوصی اشخاص ، ضرورت دارد که :

اولاً- ارزش ها و اصول لازم الرعایه توسط حکومت ها معین و به عموم مردم عرضه گردد، تا در رعایت آنها مراقبت لازم را معمول دارند.

ثانیاً- هرگونه کنترل و تجسس، در قالبهای تعریف شده در موازین شرعی و قانونی صورت پذیرد تا هر گونه اقدام خودسرانه و تعریف نشده، که موجب اخلال در حریم خصوصی افراد باشد، خودداری گردد.

بعنوان مثال اعمال کنترل و نظارت و یا ایجاد محدودیت در دسترسی اشخاص به شبکه جهانی (اینترنت) ، توسط دولت و بر اساس سیاستگذاریها و اهداف تعیین شده انجام پذیرد تا موجب اخلال در جریان آزاد اطلاعات و حق آزادی بیان آحاد جامعه نگردد.

اصل امر به معروف و نهی از منکر و حق حریم خصوصی

بی تردید در هیچ نظام حقوقی نمی توان ادعا کرد که آزادی حدّ و مرز مشخصی ندارد و قلمروی اعمال آن نامحدود است.

دو محدودیت مشترکی که در همه ی نظام های حقوقی برای اعمال حقّ آزادی مورد شناسایی قرار گرفته است و در اسناد بین المللی حقوق بشر نیز بدان تصریح شده است ، عبارتند از: عدم تعارض با آزادی دیگران و عدم اخلال در حقوق اجتماع.

بعلاوه در نظام های حقوقی مبتنی بر موازین دینی و ارزشهای اخلاقی، برخورداری از حقّ اعمال آزادی منوط به عدم تعارض با معیارها و ارزشهای اعتقادی و اخلاقی می باشد.

در جامعه اسلامی هیچیک از آحاد جامعه اجازه ندارند تا با تمسک به حقّ حریم خصوصی، در انظار عمومی و ملأ عام مرتکب عملی شوند که شرع اسلام آن را

حرام و گناه دانسته است، و یا مبادرت و تظاهر به ترک عملی نمایند که دین مبین اسلام انجام آنرا واجب دانسته است، در غیر اینصورت مرتکب با اعتراض و ابراز نارضایتی سایر افراد جامعه اسلامی، از طریق تذکر زبانی و یا مخالفت عملی و فیزیکی مسلمانان مواجه خواهد شد.

اصل مترقی امر به معروف و نهی از منکر از یک سو از حقوق مسلم جامعه ی اسلامی محسوب می شود، و از سوی دیگر بعنوان فریضه و امری واجب دانسته شده است، که اعمال آن با رعایت شرایط خاص آن تکلیف همه ی مسلمانان است.

گاه ممکن است برخی از افراد جامعه با بهره گیری ناصحیح و یاسوء استفاده از حق حریم خصوصی، مبادرت به اعمال و رفتاری نماید که موجب تعرض به حریم عمومی جامعه گردد؛ در چنین مواردی همگان وظیفه دارند که هم برای صیانت از حریم جامعه و هم باهدف حمایت از تقدس حریم خصوصی، از طریق اعمال اصل امر به معروف و نهی از منکر،

شخص متعرض به حریم عمومی را از نادرست و نامشروع بودن عملش آگاه نموده و باز دارند.

امر به معروف و نهی از منکر به عنوان ابزاری نیرومند برای اعمال نظارت همگانی، بمنظور استمرار بقای ارزشهای اعتقادی و اخلاقی جامعه، در اختیار مسلمانان می باشد و اعمال آن با شرایط مقرر، ضامن سلامت معنوی جامعه اسلامی است.

قرآن کریم در بیان صفات مجاهدین در راه خدا ، آنان را امر کنندگان به معروف و باز دارندگان از منکر و نگهبانان مرزهای خداوند معرفی میکند و می فرماید: (التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ).

یعنی: (توبه کنندگان ، پرستندگان ، سپاسگزاران ، روزه داران ، رکوع کنندگان ، سجده کنندگان ، وادارندگان به کارهای پسندیده ، بازدارندگان از کارهای ناپسند و پاسداران مقررات خدایند. و مؤمنان را بشارت ده).

علاوه بر تکلیف فردی مسلمانان، در ساختار دولت اسلامی نیز نهاد «دایرهٔ حسیبه» وظیفه دارد تا با همگانی کردن این اصل مهم، در راستای گسترش معروف در جامعه و جلوگیری از ارتکاب منکر در حوزه‌ی عمومی اقدام نماید.

البته توجه به شیوه‌ی اعمال این اصل و رعایت شرایط دقیق و حساس مقرر برای آن، مانع سوء استفاده از آن برای دخالت ناروا و تعرض به حریم خصوصی افراد و یا نقض حقوق و آزادیهای مشروع آحاد جامعه می‌گردد.

وجود مصلحت عامه، که شامل امنیت ملی، حفظ حقوق عمومی و صیانت از سلامت معنوی و اخلاقی جامعه می‌باشد، علت موجهی است که بواسطه‌ی آن می‌توان در موارد ضروری محدودیت‌هایی در حریم خصوصی اشخاص اعمال نمود، ولی باید دقت نمود که شریعت اسلام تجسس غیر ضروردرامور مسلمانان باحربه‌ی امریه معروف و نهی از منکر را به هیچ وجه جایز نمی‌داند، و جز در مواردی

که علم کافی یا گمان قوی مبنی بر نقض مصلحت عمومی وجود داشته باشد، نمی توان بر اساس شک و گمان در خلوت شخصی آنان مداخله نمود، حتی در مواردی که اشخاص بطور غیر آشکار و در خفا مبادرت به انجام عمل حرام می نمایند، تجسس برای کشف و علنی ساختن آن مجاز نمی باشد.

تفاوت دیدگاه اسلام و غرب در خصوص حق**حریم خصوصی**

نگرشی اجمالی به حق حریم خصوصی در نظام حقوقی اسلام و نظام حقوقی غرب، و مقایسه ی آنها با یکدیگر از نظر ماهیت و محتوای این حق مسلم بشری، از وجود تفاوت اساسی و ریشه ای بین دو نظام حقوقی در این زمینه حکایت دارد.

پاره ای از این تفاوت ها بشرح ذیل است:

الف - بررسی تاریخچه ی حق حریم خصوصی بیانگر این حقیقت است که دین اسلام بالغ بر یکهزار و چهارصد سال پیش بر این حق طبیعی انسانها تأکید نموده است، لیکن در جهان غرب که داعیه ی سردمداری حقوق بشر را دارد، از اوایل قرن نوزدهم شناسایی این حق با تصویب قوانین پراکنده و موردی آغاز گردیده، تا اینکه در سال ۱۹۸۴ میلادی بصورت عام، حق حریم خصوصی در اعلامیه جهانی حقوق بشر مطرح گردید، گرچه در برخی از کشورهای

غربی در حدود دو قرن قبل از تصویب اعلامیه مزبور قوانین پراکنده مورد تصویب قرار گرفته است ، که از آن جمله به قانون وضع شده در سال ۱۷۶۵ میلادی توسط لرد کامرون انگلیسی در خصوص لزوم اخذ مجوز برای مصادره ی یادداشتها و مکتوبات اشخاص ، قانون مصوب سال ۱۸۵۸ میلادی مبنی بر ممنوعیت انتشار مسائل خصوصی افراد ، قانون حمایت از زندگی خصوصی مصوب سال ۱۹۷۴ میلادی در ایالات متحده امریکا، وعهد نامه مورخ ۱۹۸۱ میلادی شورای اروپا برای حمایت از زندگی خصوصی افراد میتوان اشاره کرد. البته نقش دادگاه های کامن لو در توسعه این حق در غرب حائز اهمیت بوده است.

ب - چنانکه پیشتر اشاره شد، اساس تفکر غرب در خصوص انسان، تفکر اومانستی و لیبرالیستی است که این نوع نگرش توجهی به بُعد معنوی انسانها ندارد و با حقیقت وجود انسان منطبق نیست ، حال آن که دین اسلام تمام ابعاد مادی و غیر مادی بشر را مد نظر قرار میدهد و برای انسان به عنوان جانشین خدا

(خلیفه الله) جایگاه ویژه ای در عالم خلقت و کرامت ذاتی قایل است.

تفاوت این دو نگرش علاوه بر تعریف حقّ حریم خصوصی، در تعیین قلمروی آن آشکار می شود، بطوریکه در دیدگاه غرب حقّ حریم خصوصی شعار گونه و بدون توجه کافی به مبانی آن و ویژگی های طبیعی انسان بصورت گسترده مطرح می شود، حال آنکه در شریعت اسلام این حق بر مبنای مقتضیات وجودی و ضروریات زندگی فردی و اجتماعی انسان تعریف می شود و در بیان آن علاوه بر ابعاد مادی و معنوی انسان و نیازهای طبیعی او، مصالح و مقتضیات زندگی اجتماعی وی لحاظ می گردد و به هیچوجه حالت شعار گونه و تبلیغی ندارد.

ج - در دین اسلام حقّ حریم خصوصی یک حقّ طبیعی و مقدّس است، که خداوند برای انسان مقرر داشته و همه ی انسانها از این حقّ مسلم برخوردارند و نقض آن تجاوز به حقّ طبیعی و ذاتی انسان تلقی می شود، ولی در نگرش نظام حقوقی غرب این حق

نتیجه‌ی توافق و اجماع دولتها و کشورهاست. نتیجه‌ی طبیعی بودن و تقدس این حق و توجه به بُعد معنوی و اعتقادی آن قطعاً موجب تقویت ضمانت اجرای آن می‌شود و بدان معنا و مفهوم خاصی می‌بخشد.

د - نگرش معقول و معتدل شریعت اسلام به مسئله حریم خصوصی سبب گردیده است که برای این حق قلمروی دقیق و منطبق با واقعیت‌ها تعریف و ارائه شود و از هر گونه افراط و تفریط در بیان گستره آن پرهیز گردد، حال آنکه دیدگاه تبلیغی و نمایش غرب در خصوص قلمروی خلوت اشخاص سبب گردیده است که مسائلی در حوزه حقوق خصوصی و شخصی افراد وارد گردد، که اساساً ربطی به حوزه حریم شخصی ندارد و این توسعه بدون مبنا و شعارگونه حریم خصوصی و داخل نمودن برخی موارد، از قبیل مسئله سقط جنین و آزادی روابط جنسی، در قلمروی حریم و خلوت شخصی بدون توجه به تأثیرات مهم آن در اخلاق عمومی جامعه، امروزه بعنوان یکی از مشکلات اساسی و چالش فراروی دنیای غرب محسوب می‌شود.

چالش های حریم خصوصی در جهان امروز

حق حریم خصوصی امروزه بدلائل مختلف با چالش ها و هجمه های مهمی روبرو گردیده، بنحوی که تداوم این حریم مقدس با تهدیدات و آفات جدی مواجه شده است، که برخی از این چالش ها و علل ایجاد و بروز آنها عبارتند از:

۱. ظهور تکنولوژیها و فناوری های پیشرفته و نوین در قرن حاضر و دستیابی بشر امروز به امکانات علوم و فنون، علیرغم همه ی امتیازات و دستاوردهای عظیم و مثبت خویش، خلوت و حریم خصوصی انسانها را هدف تعرض و تجاوز قرار داده و موجب گردیده است که همه ی زوایای زندگی انسان در معرض حضور و منظر عموم قرار گیرد، چنانکه انسان در یک اتاق شیشه ای زندگی می کند، و با آشکار و عریان شدن زندگی اشخاص، خلوت خصوصی از آنها سلب گردیده است. بویژه سرعت پیشرفت و رشد تکنولوژی ها سبب از بین رفتن مرزها و محدودیت ها گردیده و حفظ حریم خلوت اشخاص

را با چالش و مانع جدی مواجه می سازد.

۲. تظاهر غیر واقعی و نمایشی دولتها به ارتقای احترام به حقوق بشر، آزادیهای سیاسی و حریم خصوصی آحاد مردم و شاخص قرار دادن آن به عنوان معیار بالندگی دموکراسی از یکطرف، و آثار و تبعات افراط در این امر برای حکومتها که در عمل منجر به محدود ساختن این حقوق می گردد، از طرف دیگر به چالشی جدی در جوامع مختلف، بویژه کشورهای غربی، مبدل گردیده است و آحاد جامعه را از بهره مندی از حق حریم خلوت خصوصی خویش محدود ساخته است.

۳. عدم وفاق در خصوص تعریفی جامع و کامل از حق حریم خصوصی و خلوت شخصی افراد و ایجاد محدودیت ها توسط دولتها با استفاده از ابزار قانون و یا به بهانه ی حفظ امنیت ملی، زمینه ساز چالش مهمی در این زمینه می باشد و راه را برای ایجاد هرگونه محدودیت و تعرض به حریم خصوصی اشخاص هموار می سازد.

۴. نظر به اهمیت تأثیر موازین اخلاقی در حفظ حریم خصوصی اشخاص، افول و انحطاط در ارزشهای اخلاقی جوامع، خصوصاً در جوامع غربی سبب گردیده است که توجه و رعایت حق خلوت اشخاص از پشتوانه ی ارزشهای اخلاقی بی بهره بماند و در معرض مخاطره قرار گیرد. این امر با رشد فنآوریها و امکان ظهور آسانتر در حریم خصوصی دیگران از یکطرف، و ترویج بد اخلاقی و لا ابالی گری در نسل نواز طرف دیگر، به چالشی اساسی در جوامع غیر دینی و لائیک مبدل گردیده است.

۵. توسل دولتها به بهانه هایی، از قبیل ضرورت مبارزه ی همه جانبه با تروریسم، علاوه بر موجّه ساختن اعمال محدودیتهای درآزادی های عمومی، از جمله آزادی بیان و یاسایر آزادیهای سیاسی واجتماعی، موجب تعرض به حریم خصوصی اشخاص از طریق کنترل مکالمات، مراسلات و سایر شیوه های ارتباطی آنان می گردد و خلوت اشخاص را با چالش مواجه میکند، حال آنکه برخی دولتها به مقتضای سیاست

خویش از شکل گیری سازمانها و گروههای تروریستی حمایت می کنند و یا در توسعه ی فعالیت ها و اقدامات غیر انسانی آنها نقش مهم و اساسی دارند.

۶. توسعه غیرمنطقی و تبلیغ گونه حق حریم خصوصی افراد در غرب ، با ملاحظات و اهداف سیاسی و عدم واقع گرایی در این خصوص، عملاً سبب ایجاد تناقض و چالش در جوامع گردیده است ، که به عنوان نمونه می توان به مسئله آزادی روابط جنسی زن و مرد و نیز مسئله جواز سقط جنین، که موجب ایجاد معضلات فراوانی برای جوامع غربی گردیده است، اشاره نمود.

اینگونه توسعه گرایی گرچه به ظاهر با هدف توسعه حریم خصوصی اشخاص صورت میگیرد، ولی نتیجه آن چیزی جز ایجاد زمینه ی تعرض بیشتر به حریم خلوت افراد و یاهتک شخصیت انسانی آنها به ارمغان نخواهد آورد.

۷. ارتقای اعجاب انگیز جایگاه رسانه ها و وسائل ارتباط جمعی، شبکه های گسترده اجتماعی و

ابزارهای پیشرفته ای همچون شبکه جهانی اینترنت ، و مجاز بودن دخالت این رسانه هادر حریم خصوصی اشخاص و تاثیر آنها درانتقال سریع و وسیع اطلاعات شخصی افراد، و از همه مهمتر عدم امکان کنترل بایسته و محدودیت ناپذیر بودن این ابزار، به چالشی عظیم در جوامع بشری مبدل شده است،و با رشد این امکانات بر اهمیت این چالش می افزاید؛ بویژه آنکه در عمل نوع اطلاعات قابل انتشار، طبقه بندی مخاطبین آنها و محدوده ی دسترسی اشخاص به این اطلاعات مشخص و قابل کنترل نمیشد، و در بسیاری موارد برای تظاهر به عدم ایجاد محدودیت برای جریان آزاداطلاعات، تعرض به حریم خصوصی اشخاص برای رسانه ها مجاز دانسته می شود و در حقیقت حق حریم خصوصی انسانها قربانی اصل جریان آزاد اطلاعات می گردد.

تبلیغ علیه اشخاص در رسانه ها و شبکه های عمومی به بهانه اطلاع رسانی، ایجاد بدبینی نسبت به تبلیغ شوندگان نزد افکار عمومی ، سوء استفاده و

تفسیر نابجا و تحریف گفتارها و تعبیر افراد در رسانه ها و یا استفاده ی غیر مجاز از نام و هویت خصوصی اشخاص برای مقاصد تبلیغاتی، با هدف ایجاد جذابیّت و رقابت، موجب تخریب شخصیت فردی و اجتماعی آنان و بی توجهی به قلمروی حریم خصوصی اشخاص می گردد.

منابع :

- ۱- قرآن کریم .
- ۲- آفات زبان - حقانی زنجانی - مجله درسهایی از مکتب اسلام - سال ۲۴ - شماره ۶ سال ۱۳۶۳ شمسی
- ۳- ارشادالقلوب-ابی محمدحسن دیلمی- م سیدعباس طباطبائی
- ۴- اصول کافی - شیخ یعقوب کلینی- دارالکتب الاسلامیه - سال ۱۳۹۱ قمری - تهران .
- ۵- اعلامیه جهانی حقوق بشر-مصوب ۱۹۴۸ میلادی-سازمان ملل متحد
- ۶- اعلامیه جهانی حقوق بشراسلامی- مصوب ۱۹۹۰ میلادی - سازمان کنفرانس اسلامی
- ۷- الترغیب والترهیب-شهاب الدین احمدبن علی حجر العسقلانی- اداره احیاءالمعارف-۱۳۸۰قمری - بیروت
- ۸- بحارالانوار-علامه مجلسی-موسسة الوفاء-۱۴۰۳قمری- بیروت
- ۹- تحریرالوسیله-امام خمینی(ره)-مؤسسه نشر آثار امام خمینی(ره)
- ۱۰- تفسیر مجمع البیان-شیخ طبرسی-مکتبه العلمیه الاسلامیه-تهران
- ۱۱- جواهرالکلام-شیخ محمدحسن نجفی- چاپخانه خورشید تهران
- ۱۲- حقوق بشردرسه نظام حقوقی - حقوق بین الملل ، حقوق اسلام و حقوق ایران - دکترعباس خواجه پیری - انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی مرکز - سال ۱۳۸۱ خورشیدی

- ۱۳ - ریاض الصالحین - ابی زکریا دمشقی - دارالمأمون التراث - دمشق - سال ۱۴۰۲ قمری
- ۱۴ - سفینہ البحار - محدث قمی - کتابخانہ سنایی - تهران
- ۱۵ - سنن ابن داود - شیخ احمد مصرعلی - مکتبہ مصطفی البابی - سال ۱۳۷۱ قمری - مصر
- ۱۶ - سنن سجستانی - ابی داود سلیمان ابن اشعث سجستانی - المکتبہ الشاملة - مصر
- ۱۷ - سیرہ ابن ہشام - ابو محمد عبدالملک بن ہشام - مطبوعہ الحجازی سال ۱۳۵۶ قمری - قاہرہ
- ۱۸ - صحیح مسلم - مسلم - احیاء التراث العربیہ - سال ۱۳۷۵ قمری - بیروت
- ۱۹ - غرر الحکم وڈرر الکلم - عبدالواحد آمدی - مؤسسہ دارالکتاب - تهران
- ۲۰ - مکارم الاخلاق - شیخ رضی الدین طبرسی - مؤسسہ الاعلمی - سال ۱۳۹۲ قمری - بیروت
- ۲۱ - میزان الحکمة - محمد محمدی ری شہری - سازمان چاپ و نشر دارالحديث - سال ۱۳۸۶ - تهران
- ۲۲ - نہج البلاغہ - مترجم فیض الاسلام - انتشارات فیض - تهران
- ۲۳ - وسائل الشیعہ - محمد بن الحسن الحر العاملی - احیاء التراث العربیہ - سال ۱۳۹۱ قمری - بیروت